ترجمه

صحیفه سجادیه

مؤلف : احمد سجادی



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

ترجمه صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه سجادیه.ترجمه.لغتنامه.نمایه [علی بن حسین (ع)] / مولف احمد سجادی، ۱۳۴۳.
مشخصات نشر: قم سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۵۸۴ ص.
شابک: 978-964-542-155-5
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق.. صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر
موضوع: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Sahifeh Sajjadieh-- Criticism and interpretation
موضوع: دعاها
موضوع: Prayers
شناسه افزوده: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Interpretation. Sahife Sajadiyeba
شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. انتشارات اسوه
رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۱/ع۸ص۴۲۲۴۵ ۱۳۸۷ ۳۰
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۱۵۶۳

دعای 01- و از دعای امام علیه‌السلام بود، موقعی که شروع به نیایش کرد و با سپاس خداوندِ ارجمند و بزرگ، و ستایش بر او، (دعا را) آغاز نمود:

(1) سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده و آخِری که پس از او آخری نباشد.
(2) همان که چشم‌های بینندگان از دیدنش قاصر، و پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.
(3) به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه‌ای آفرید و ایشان را به خواست خود از هیچ به وجود آورد.
(4) سپس آنها را در راهی که می‌خواست روان ساخت و در راه دوستی به خود، برانگیخت. آنها تواناییِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، نداشته و نمی‌توانند آنچه را که آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.
(5) و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده‌ای از رزقش قرار داد. از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده‌ای نمی‌کاهد و از کسانی که کاسته، افزاینده‌ای نمی‌افزاید.
(6) سپس برای او (آفریده‌اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد که با روزهای زندگی‌اش، به سوی آن گام بردارد، و با سال‌های روزگارش، به آن نزدیک می‌شود. زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی‌اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. تا کسانی را که بد کرده‌اند، به سبب آنچه که به جا آورده‌اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.
(7) و این از عدل اوست. نام‌هایش مقدّس و نعمت‌هایش آشکار و پی‌درپی است. از آنچه او انجام می‌دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.
(8) و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش‌های پی‌درپی که به ایشان داده و نعمت‌های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی‌داشت، آنها نعمت‌هایش را صرف می‌نمودند و او را سپاس نمی‌گزاردند و از روزی‌ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می‌برند و شکرش به‌جا نمی‌آوردند.
(9) و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رو می‌آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه‌ترند.»
(10) و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام نمود و درهایی از علم به پروردگاری‌اش را بر ما گشود و ما را به

اخلاص در یگانگی‌اش راهنمایی نمود و از کج‌روی و شک در امر خود، دور ساخت.
(11) سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.
(12) سپاسی که با آن، تاریکی‌های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه‌های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد، «روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند». «روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی‌شوند».
(13) سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه‌ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده‌ای که مقرّبان الهی گواه آنند».
(14) سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده‌ها، خیره می‌شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست‌ها سیاه می‌گردد.
(15) سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.
(16) سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده‌اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.
(17) و سپاس خدایی را که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.
(18) و با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردار بوده و به عزّت او، به اطاعت از ما درمی‌آیند.
(19) و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به‌جا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ‌گاه)؟
(20) و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست و افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد و ما را به نسیم‌های زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت و با روزی‌های پاکیزه، پرورشمان داد و ما را به فضل خود، بی‌نیاز گردانْد و به نعمت خویش، سرمایه‌مان داد.
(21) سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید، و نهیب مان نمود تا شکر گزاریمان را آزمایش کند. پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب) های نهیش سوار شدیم. پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد و در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت،

به ما مهلت داد و به مهربانی‌اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.
(22) و سپاس خدای را که ما را به توبه‌ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.
(23) البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این‌چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته و جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشته و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.
(24) پس هلاک شونده از ما کسی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود و نیک‌بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد.
(25) و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک‌ترین فرشتگانش و گرامی‌ترین آفریدگانش و پسندیده‌ترین سپاس گویانش، او را ستوده‌اند.
(26) سپاسی که بر سایر سپاس‌ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.
(27) پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش -گذشتگان و باقی‌ماندگان- دارد. به شماره آنچه علمش -از همه چیزها- به آن احاطه دارد و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.
(28) سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی‌حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می‌باشد.
(29) سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم و سببی به سوی خوشنودی‌اش و وسیله‌ای به سوی آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و پناه دهنده‌ای از عذابش و ایمنی از خشمش و پشتیبانی بر طاعتش و مانعی از معصیتش و یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.
(30) سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم. به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

دعای 02- و از دعای امام علیه‌السلام بود، پس از این سپاس، در درود بر رسول خدا «صلی‌اللّه علیه و آله»

(1) و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد- بر ما منّت نهاد، نه بر امّت‌های گذشته و مردمان پیشین، به قدرتش که از چیزی -اگر چه بزرگ باشد- ناتوان نیست و چیزی -اگر چه خرد باشد- از او رهایی نمی‌یابد.
(2) پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد، و ما را بر کسانی که انکار کرده‌اند، شاهد گرداند. و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.
(3) خداوندا بر محمّد -امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت، آن پیشوای رحمت و رهبر خیر و کلید برکت- درود فرست.
(4) همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.
(5) و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.
(6) و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.
(7) و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله‌اش جنگید.
(8) و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.
(9) و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.
(10) و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان -برای تو- نزدیک نمود.
(11) و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.
(12) و به خاطر تو با نزدیک‌ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.
(13) و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.
(14) و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.
(15) و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.
(16) و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.
(17) سرانجام آنچه درباره دشمنانت می‌خواست، برایش به دست آمد.
(18) و آنچه او درباره دوستانت می‌اندیشید، برایش کامل گردید.
(19) پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.
(20) پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.
(21) و در میان قرارگاه شان، بر آنان هجوم برد.
(22) تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.
(23) خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین

درجه از بهشتت بالا بر.
(24) تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر فرستاده شده‌ای با او برابری نکند.
(25) و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده‌ای، آگاه کن.
(26) ای به انجام رساننده وعده، ای وفا کننده گفتار، ای تبدیل کننده بدی‌ها به چندین برابر آن از خوبی‌ها. به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

دعای 03- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در درود بر نگهداران عرش الهی و هر فرشته مقرّب

(1) خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی‌کنند، و از تقدیس تو دلتنگ نمی‌شوند و از پرستشت درمانده نمی‌گردند، و در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی‌کنند و از شیفتگی به سوی تو غافل نمی‌شوند،

(2) و اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند،

(3) و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد،

(4) و جبرئیل که امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت، ارجمند در پیشگاه تو و مقرّب نزد توست،

(5) و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب‌ها گماشته شده،

(6) و روح، که از عالم امر تو می‌باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین‌ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

(7) و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی‌شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی‌گردند، و خواهش‌های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی‌دارد، و فراموشیِ غفلت‌ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی‌سازد،

(8) (آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند و چانه‌ها را به زیر انداخته‌اند. آنهایی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت‌های تو حریص می‌باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند،

(9) و همانهایی که چون دوزخ را می‌نگرند که بر گنهکاران شعله می‌کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.

(10) پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می‌باشند و بر وحی تو امانت‌دارند.

(11) و بر گروه‌های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده‌ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی‌نیاز نموده‌ای، و در دل طبقه‌های آسمان‌هایت، سکونتشان داده‌ای.

(12) و آنها که بر اطراف آن آسمان‌هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده‌ات نازل شود،

(13) و خزانه‌داران باران و حرکت دهندگان ابر،

(14) و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می‌شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله‌های برق می‌درخشد،
(15) و بر همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرود آمدگان به همراه قطره‌های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه‌ها تا فرونپاشد،
(16) و آنها که وزن آب‌ها و پیمانه باران‌های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده‌ای،
(17) و بر فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می‌فرستی،
(18) و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه‌دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت‌ها،
(19) و آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می‌دهند،
(20) و آنان که (به بهشتیان) می‌گویند: درود بر شما، به پاس بردباری‌ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای،
(21) و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند،
(22) و هر (فرشته‌ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده‌ای، نمی‌دانیم،
(23) و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند،
(24) پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده‌ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.
(25) و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی‌ای بر پاکیشان بیفزاید.
(26) خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته‌ای، درود فرست. به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

(1) خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می‌شدند و هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند،
(2) در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکار -که بر همه آنها درود باد- پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.
(3) خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند و به سوی پیامش شتافتند و به سوی دعوتش پیشی گرفتند و هنگامی که دلیل رسالت‌های خود را به گوششان رساند اجابت کردند،
(4) و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند،
(5) و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی‌اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند،
(6) و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله‌ها یشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،
(7) پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده‌اند.
(8) و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشان هجرت کردند و از زندگی راحت به سختی افتادند و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم‌ها دیدند پاداش عنایت کن.
(9) خداوندا بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکو کارِ ایشان برسان. همانها که می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیشقدم شدند بیامرز.
(10) آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند.
(11) آنان که عقیده یشان را شکّی بر نگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه‌های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت.
(12) در حالی که بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می‌باشند، دین آنان

را پیروی می‌کنند، به راهنمایی آنها راه می‌یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی‌زنند.
(13) خداوندا از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.
(14) درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه‌داری و در باغ‌های بهشتت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسته‌های نیک آنان، کمک رسانی و آنها را از حوادث شب و روز -مگر خیری که پیش آید- حفظ نمایی.
(15) درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.
(16) بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی‌میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی
(17) و در آن روز که جان‌ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.
(18) و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش‌هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.
(19) و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.

(1) ای کسی که شگفتی‌های بزرگی او پایانی ندارد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کج‌روی در عظمت خود بازدار.
(2) و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی‌رسد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و گردن‌های ما را از عذابت آزاد کن.
(3) و ای کسی که گنج‌های رحمت او نابود نمی‌شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و از رحمت خود برای ما بهره‌ای قرار ده.
(4) و ای کسی که چشم‌ها از دیدن او ناتوان است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما.
(5) و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می‌شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود گرامی دار.
(6) و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را پیش خود رسوا نکن.
(7) خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی‌نیاز کن و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار. تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم و با احسانت از کسی نهراسیم.
(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سود ما نه به زیان ما تدبیر کن و برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از (عذاب) خود حفظ کن و به وسیله خود نگهدارمان باش و ما را به سوی خود هدایت فرما و ما را از خود دور نکن. زیرا هر کس را که حفظ کنی، سالم می‌ماند و هر کس را که هدایت کنی، دانا می‌شود و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می‌برد.
(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از سختی حوادث روزگار و شرّ دام‌های شیطان و تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.
(11) خداوندا به درستی که بی‌نیازان به فزونی نیروی تو بی‌نیاز می‌شوند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را بی‌نیاز گردان. و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می‌بخشند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به ما عطا فرما. و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می‌یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.
(12) خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی خوار کنندگان به او زیان نرساند و هر که را تو عطا فرمودی جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست و هر که را تو راهنمایی نمودی گمراهی گمراه کنندگان او را

گمراه نکرد.
(13) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن و به یاری خود ما را از غیر خود بی‌نیاز گردان و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز.
(14) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامتی دل‌های ما را در یاد بزرگی خود و آسایش تن‌ها یمان را در سپاس‌گزاری نعمت خود و خوش سخنی‌ها یمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.
(15) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از داعیان دعوت کننده به سوی خود و از هادیان راهنمایی کننده به راه خود و از برگزیدگان مخصوص خود قرار ده. ای مهربان‌ترین مهربانان.

(1) سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.
(2) و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.
(3) و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.
(4) بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می‌دهد تا برای بندگان روزی داده، آنها را پرورش دهد.
(5) و شب را برای آنان آفرید تا از حرکت‌های خسته کننده و جنبش‌های سخت بیاسایند و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیروآور است، تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.
(6) و روز را برای ایشان روشن‌گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند و جهت دست‌یابی به روزی، وسیله جویی کنند و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.
(7) بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می‌نماید، و اخبار آنها را می آزماید، و می‌نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه‌اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.
(8) خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره‌مند گرداندی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی، و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.
(9) صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده، ثابت و رونده و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.
(10) ما در تحت قدرت تو صبح کردیم. سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی‌گیرد و اراده توست که ما را جمع می‌کند، و از روی فرمان توست که دست به کاری می‌زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می‌کنیم.
(11) برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی و از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست.
(12) و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید و اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.
(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصیب ما گردان و از بدیِ جدایی از آن بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.

(14) و در آن روز خوبی‌ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی‌ها تهی ساز و دو طرف آن را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.
(15) خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز، و نامه‌های اعمال ما را از نیکی‌هایمان پر کن، و ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان.
(16) خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت‌های این روز، بهره‌ای از بندگانت و سهمی از سپاس‌گزاری‌ات و گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.
(17) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری‌ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند و در جهت دوستی تو به کار برد.
(18) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و سپاس نعمت‌ها و پیروی از سنّت‌ها و ترک بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی‌ها و یاری دادن و تقویت حق و راهنمایی گمراهان و کمک کردن ناتوان و یاری دادن ستم‌دیده، توفیق ده.
(19) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. و آن را مبارک‌ترین روزی که با آن برخورد کرده‌ایم و برترین همراهی که با آن همراه شده‌ایم و بهترین زمانی که در آن به سر برده‌ایم قرار ده.
(20) و ما را از خوشنود ترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته، و شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته‌ای و پایدار ترین آنها به آئینی که مقدر نموده‌ای و خوددار ترین ایشان از حرام‌هایی که از آن بیم داده‌ای قرار ده.
(21) خداوندا من تو را گواه می‌گیرم و گواهی تو کافی است و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپا دارنده عدلی، دادگر در حکمی، با بندگان بسیار مهربانی، صاحب هر ملکی و رحم کننده بر آفریدگانی.
(22) و گواهی می‌دهم همانا محمّد بنده تو و فرستاده‌ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است، رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.
(23) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی، و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت

عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی‌ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.

(24) به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ و آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی و تویی مهربان‌تر از هر مهربان. پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف‌ترین‌اند، درود فرست.

دعای 07- از دعاهای امام علیه‌السلام است آنگاه که کارِ دشواری به او روآوَرْد یا مصیبتی برایش رخ داد و هنگام اندوه

(1) ای کسی که گره‌های سختی‌ها به واسطه او باز می‌شود، و ای کسی که شدّت دشواری‌ها با او آرام می‌گردد و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می‌شود.
(2) سختی‌ها به توانایی تو آسان شد و به لطف تو وسیله‌ها فراهم گردید و تقدیر به قدرت تو اجرا شد و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته‌اند.
(3) پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند و به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده‌اند.
(4) تویی خوانده شده برای دشواری‌ها و تویی فریادرس در سختی‌ها، از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی‌گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی‌شود.
(5) ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.
(6) و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.
(7) پس برای آنچه به من رساندی، باز گرداننده‌ای و برای آنچه بر من فرستادی، دور کننده‌ای و برای آنچه بستی، گشاینده‌ای و برای آنچه گشودی، بستنده‌ای و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده‌ای و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده‌ای نیست.
(8) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ای پروردگار من به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای و به توانایی‌ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش، و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.
(9) و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنّت خود باز مدار.
(10) ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته‌ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده‌ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده‌ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش و تخت بزرگ.

دعای 08- از دعاهای امام علیه‌السلام است در پناه بردن (به خدا) از سختی‌ها و اخلاق بد و کردارهای ناپسند

(1) خداوندا به تو پناه می‌برم از برانگیخته شدن حرص و شدّت خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کاستی قناعت و بد خلقی و زیاده‌روی شهوت و غلبه عصبیّت

(2) و پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری و خواب غفلت و انجام دادن کارِ با مشقّت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و بزرگ شمردن طاعت و بندگی

(3) و فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده

(4) یا اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم‌دیده‌ای را خوار گردانیم یا آنچه حقّ ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.

(5) و پناه می‌بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

(6) و پناه می‌بریم به تو از نیّت بد و ناچیز شمردن گناه کوچک و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند.

(7) و پناه می‌بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی.

(8) و پناه می‌بریم به تو از سرزنش دشمنان و از نیازمندی به هم‌نوعان و از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی.

(9) و پناه می‌بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ‌ترین مصیبت و بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت و بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر.

(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده. ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای 09- از دعاهای امام علیه‌السلام است در اشتیاق به طلب آمرزش از خدای بزرگِ با عزّت

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر و ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.
(2) خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا. پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.
(3) و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می‌سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می‌آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می‌سازد برگردان و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می‌سازد سست کن.
(4) و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وا مگذار، چون آن باطل را برمی‌گزیند مگر تو توفیق دهی، و به بدی امر می‌کند مگر تو رحم کنی.
(5) خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده‌ای و بر سستی بنا نهاده‌ای و از آب ناچیز آغازمان نموده‌ای. پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.
(6) پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت‌قدم گردان و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان و اعضای ما را در نافرمانی‌ات نفوذناپذیر کن.
(7) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و رازهای دل‌هایمان و جنبش‌های اعضای مان و نگاه‌های زیرچشمی دیدگان مان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود، و کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.

دعای 10- از دعاهای امام علیه‌السلام است در پناه بردن به خداوند متعال

(1) خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.
(2) پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی‌یابیم.
(3) ای بی نیازترین بی نیازان، اینک ما بندگانت در پیشگاه توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیکبختی خواسته، بدبخت کرده‌ای و آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده‌ای.
(4) پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟ پاک و منزّهی تو! ما در ماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده‌ای و ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده‌ای.
(5) و شبیه‌ترین چیزها به اراده‌ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری‌ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده. پس به زاری ما به درگاهت رحم کن و چون خویش را در پیشگاه تو افکنده‌ایم، بی‌نیازمان گردان.
(6) خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پس از آنکه به خاطر تو از او دوری کردیم و به درگاه تو روی آوردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند.

دعای 11- از دعاهای امام علیه‌السلام است در عاقبت به خیری

(1) ای که یاد او برای یاد کنندگان بزرگی است و ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است و ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و دل‌های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان‌های ما را به سپاس خود از هر سپاسی و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.

(2) و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده‌ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی‌ای به ما نرسد. تا نویسندگان بدی‌ها با نامه‌ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند و نویسندگان خوبی‌ها -به سبب آنچه از نیکی‌های ما نوشته‌اند- شادمان برگردند.

(3) و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد و ما را دعوت تو -که چاره‌ای جز پذیرفتن آن نیست- فراخواند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می‌شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

(4) و در برابر گواهان، پرده‌ای که با آن ما را پوشانده‌ای کنار نزن، روزی که اخبار بندگانت را آشکار می‌کنی.

(5) به درستی که تو مهربانی به هر که تو را خوانَد و اجابت کننده‌ای برای هر که تو را صدا زند.

دعای 12- از دعاهای امام علیه‌السلام است در اقرار به گناه و درخواست بازگشت به سوی خدای تعالی

(1) خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی‌دارد و یک خصلت مرا بر آن می‌راند.
(2) بازمی‌دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن باز داشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.
(3) و وادار می‌کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد و با گمان نیک به سوی تو آید. چون همه نیکی‌های تو از روی تفضّل است و همه نعمت‌های تو ابتدا است.
(4) پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده‌ام. و با وجود شرمندگی‌ام همانند تهی‌دستی عیالمند از تو درخواست دارم.
(5) اقرار می‌کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده‌ام و در همه حال از احسان تو بی‌بهره نبوده‌ام.
(6) ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی‌ای که انجام داده‌ام، مرا سود می‌دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده‌ام، مرا رها می‌نماید؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده‌ای؟ یا هنگامی که تو را می‌خوانم، دشمنی‌ات مرا لازم گشته است؟
(7) پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده‌ای، ناامید نمی‌شوم. بلکه همانند بنده‌ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می‌گویم.
(8) آن که گناهانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش (به او) پشت کرده و سپری شده، تا اینکه می‌بیند زمان عمل گذشته و مدّت عمر به پایان رسیده و باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می‌کند. پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته و با صدای آهسته پنهانی تو را می‌خواند.
(9) با حال فروتنی برای تو خم شده و سرش را کج و به زیر افکنده، و ترس پاهایش را به لرزه انداخته و دو گونه‌اش غرق اشک شده، تو را صدا می‌زند: ای مهربان‌ترین مهربانان و ای بخشنده‌ای که رحمت خواهان پی‌درپی نزد او می‌آیند و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می‌گردند و ای آنکه بخشایش او از کیفرش بیشتر است و ای کسی که خوشنودی او از خشمش افزون‌تر می‌باشد.
(10) و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده و ای آنکه فاسد ایشان را با

توبهْ اصلاح کرده و ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده و ای آنکه روا شدن خواسته‌ها را برای ایشان ضمانت کرده و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.
(11) من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیده‌ای، نبوده‌ام. و نکوهیده‌تر از عذر آورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته‌ای، نیستم. و ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده‌ای، نمی‌باشم.
(12) در این مکان (که ایستاده‌ام) به سوی تو باز می‌گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان. و از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.
(13) می‌داند که بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست و درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم‌پوشی از جرم‌های بسیار زشت بر تو سخت نمی‌باشد، و محبوب‌ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.
(14) و من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می‌برم. و برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می‌خواهم، و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می‌طلبم.
(15) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش. و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده، که تو بر بخشایش نمودن توانایی، و برای آمرزش، امیدواری به توست و به گذشت مشهوری. برای حاجتم جز از تو درخواستی نیست و برای گناهم غیر از تو آمرزنده‌ای ندارم. تو از عیوب منزّه و دوری.
(16) و من بر خود جز از تو نمی‌ترسم. زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند و سزاواری که بیامرزی، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حاجتم را روا کن و در خواستم را برآور، و گناهم را بیامرز و ترسم را ایمنی ده. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است. بپذیر، پروردگار جهانیان.

دعای 13- از دعاهای امام علیه‌السلام است در طلب حاجت‌ها از خداوند بلندمرتبه.

(1) خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.
(2) و ای آنکه رسیدن به خواسته‌ها نزد اوست.
(3) و ای که نعمت‌هایش را به بها نمی فروشد.
(4) و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش‌هایش را تیره نمی‌سازد.
(5) و ای که به او بی‌نیاز می‌گردند و از او بی‌نیاز نمی‌شوند.
(6) و ای که به او رو می‌آورند و از او روگردان نمی‌شوند.
(7) و ای آنکه درخواست‌ها، گنجینه‌های او را فانی نمی‌سازد.
(8) و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی‌کند.
(9) و ای آنکه درخواست‌های نیازمندان از او قطع نمی‌گردد.
(10) و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی‌کند.
(11) خود را به بی‌نیازی از آفریدگانت ستوده‌ای و خود شایسته بی‌نیازی از آنهایی.
(12) و آنها را به تنگدستی نسبت داده‌ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.
(13) پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، و برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی‌گمان نیازمندی‌اش را در جایگاه بایسته طلب کرده و از راهش به مراد خود رسیده.
(14) و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی‌گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده و نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.
(15) خداوندا به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی‌های زیرکانه‌ام در برابر آن گسسته و نفس من رفع آن را از کسی که حاجت‌هایش را از تو طلب کرده و در خواسته‌هایش از تو بی‌نیاز نیست، برایم می‌آراید. و این لغزشی از لغزش‌های خطاکاران و افتادنی از افتادن‌های گناهکاران است.
(16) با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.
(17) و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ و کجا تهی‌دست به تهی‌دست روآورد؟
(18) پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.
(19) و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است و هر چه از تو خواهش‌های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو

کوچک است و بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی‌گردد و دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

(20) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما و با دادگری‌ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن. پس من اوّلین رو آورنده نیستم که به تو رو آورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. و نه نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی‌بهرگی است.

(21) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در خواستم را اجابت کن و به آوازم نزدیک شو و به زاریم ترحم فرما و صدایم را شنوا باش.

(22) و از خود ناامیدم نکن و رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار.

(23) و به برآورده گشتن خواسته‌ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته‌ام، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری‌ام فرما.

(24) و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده. همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.

(25) ای پروردگار من و از جمله خواسته‌ام چنین و چنان است (و حاجت خود را نام می‌بری. پس سجده می‌کنی و در سجده‌ات می‌گویی:) فضل تو مرا آرام نمود و احسان تو مرا راهنمایی کرد، پس از تو می‌خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش -که درودهای تو بر ایشان باد- مرا ناامید بر نگردانی.

دعای 14- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که به او ستم می‌شد یا از ستمگران آنچه دوست نمی‌داشت می‌دید

(1) ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست.
(2) و ای کسی که در سرگذشت‌های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی‌نیاز است.
(3) و ای کسی که یاری او به ستم‌دیدگان نزدیک است.
(4) و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.
(5) ای خدای من، تو می‌دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده‌ای و از من حرمت‌هایی شکسته که تو ممنوع کرده‌ای و این از سرکشی او در نعمت توست و بی‌باکی او از کیفر تو می‌باشد.
(6) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی‌اش را از من بردار. و او را به آنچه در خورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می‌کند ناتوان ساز.
(7) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.
(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده‌ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه‌ام را بر او کامل نماید.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بد رفتاری‌اش، رحمتت را به من عطا کن. (زیرا) هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک و هر گرفتاری‌ای با غضب تو هموار شدنی است.
(10) خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.
(11) خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی‌کنم و از حکم کننده‌ای جز تو یاری نمی‌جویم، پاک و منزّهی پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان و داد خواهیم را با دگرگونی پیوند ده.
(12) خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت و او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد. و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما. و اجابتی که بیچارگان را وعده داده‌ای، به من بشناسان.

(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان. و مرا به راست‌ترین راه، راهنمایی کن و به آنچه سالم‌تر است، بگمارم.
(14) خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می‌باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.
(15) و از خواهش بد و آز حریصان پناهم ده، و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده‌ای قرار ده.
(16) بپذیر، پروردگار جهانیان. همانا تویی صاحب فضل بزرگ و تو بر هر چیز توانایی.

دعای 15- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که بیمار شد یا دچار اندوه یا گرفتاری گردید

(1) خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری‌ای که در جسمم پدید آوردی.
(2) ای خدای من نمی‌دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس‌گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته‌تر می‌باشد؟
(3) آیا وقت تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را بر من گوارا نمودی و مرا به وسیله آن برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی و با آن بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی؟
(4) یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت‌هایی را به من هدیه نمودی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرورفته‌ام پاکم سازد و برای فراگرفتن توبه آگاهی و برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد؟
(5) و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه‌ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه زبانی به آن گویا گشته و نه اندامی آن را با مشقّت انجام داده. بلکه فضل و احسان توست که بر من است.
(6) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه برایم پسندیده‌ای را محبوب من گردان و آنچه بر من وارد نموده‌ای، برایم آسان کن و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده‌ام، پاک نما. و از من زشتی آنچه پیش فرستاده‌ام را بزدای و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما و گوارایی سلامتی را به من بچشان و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت، و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود، و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت، و تندرستی‌ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.
(7) همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می‌کنی و بدون استحقاق نعمت بزرگ می‌بخشی و تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی‌شود و تویی دارای بزرگواری و احترام.

دعای 16- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگامی که از گناهان عفو و گذشت طلبید یا در درخواست بخشایش از ناپسندی‌ها زاری نمود.

(1) خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می‌جویند.
(2) و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی‌اش پناه می‌برند.
(3) و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می‌گریند.
(4) ای آرامِ دل هر وحشت‌زده دور از وطن، و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین، و ای فریادرس هر خوار شده تنها، و ای یاور هر نیازمند رانده‌شده.
(5) تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته‌ای.
(6) و تو آنی که برای هر آفریده‌ای در نعمت هایت بهره‌ای مقرر داشته‌ای.
(7) و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.
(8) و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می‌گیرد.
(9) و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است.
(10) و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده‌اند.
(11) و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی‌خواهد.
(12) و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده‌روی نمی‌کند.
(13) و من -ای خدای من- بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می‌کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده‌ام.
(14) من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.
(15) ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده‌ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟ یا گریه کننده‌ات را می‌آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟ یا از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، در می‌گذری؟ یا هر کس را که از تهی دستی‌اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی‌نیاز می‌سازی؟
(16) خدای من کسی را که جز تو بخشنده‌ای نمی‌یابد ناامید نکن، و کسی را که از غیر تو بی‌نیاز نمی‌گردد، خوار نگردان.
(17) خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست و از من که به تو رو آورده‌ام روی نگردان. و مرا که از تو درخواست کرده‌ام محروم نساز. و در حالی که در پیشگاه تو ایستاده‌ام دست رد بر پیشانی‌ام نزن.
(18) تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده‌ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن. و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.

(19) ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود و نگرانی دلم را از بیم خود و ناتوانی اندامم را از هیبت خود می‌بینی.
(20) همه اینها از روی شرمی است که از بد کرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته و زبانم از مناجات با تو بند آمده.
(21) ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی. و چه بسیار زشتی هایی که به‌جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی. و بدی‌های مرا پیش همسایگانم -که در جستجوی عیب‌های من می‌باشند و حسودانِ نعمتِ تو بر منند- آشکار نکردی.
(22) آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی -که تو از من می‌دانی- بازنداشت!
(23) پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان‌تر از من؟ و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من؟ و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی‌ات را که برایم رسانده‌ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته‌ای صرف می‌کنم؟ و چه کسی از من در نادرستی فرو رونده‌تر و بر اعمال زشت بی‌باک‌تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می‌ایستم، دعوت او را می‌پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی‌های او فراموشکار نیستم؟
(24) و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.
(25) پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می‌دهم. و کار پنهانی خویش را می‌شمارم.
(26) و شگفت‌تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی -برانگیزنده خشم تو- دست بردارم و از بدی‌های -خوار کننده‌ام- جدا شوم. و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب‌تر از کیفر من است.
(27) بلکه من -ای خدای من- گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت‌تر و کردار هایم بدتر و در انجام باطل گستاخ‌تر و بیداری‌ام هنگام طاعتت سست‌تر و نسبت به تهدیدهایت کم‌هشیار تر و نامراقب تر از آنم که زشتی‌های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.
(28) و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می‌کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم -که اصلاح کار گناهکاران به آنست- و امیدواری به رحمت تو -که رهایی گردن‌های خطاکاران است- می‌باشد.

(29) خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخششت آن را سبک گردان.
(30) ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک‌های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی‌ام آب خاکستر آلود بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه‌های آسمان بر ندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی‌ای از بدی‌هایم نیستم.
(31) و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.
(32) خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی و به فضل خود از من درگذشتی و نعمتت را بر من تغییر ندادی و نیکی‌ات را به من تیره نساختی، پس بر بسیاری زاریم و شدّت نیازم و بدی جایگاهم رحم کن.
(33) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت خود بگمار و نیکی بازگشت از گناه را روزی‌ام فرما و با توبه پاکم گردان و با نگهداری از گناه تأییدم کن و صلاحم را با تندرستی بخواه و شیرینی آمرزش را به من بچشان و مرا رهاشده گذشتت و آزاد گردیده رحمتت قرار ده و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم‌اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده‌ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه‌ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.
(34) بدرستی که این در برابر گستره توانایی‌ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی‌باشد و در برابر بردباری‌ات دشوار نیست و در برابر بخشش‌های بسیارت که نشانه‌هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی‌باشد. که تو آنچه می‌خواهی انجام می‌دهی و آنچه اراده نمایی حکم می‌کنی. بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

دعای 17- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگامی که از شیطان یاد شد و از او و از دشمنی و مکرش به خدا پناه برد

(1) خداوندا ما از وسوسه‌های شیطان -رانده‌شده- و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده‌ها و فریب‌ها و دام‌هایش به تو پناه می‌بریم.
(2) و از اینکه در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند. یا آنچه برای ما می‌آراید، برای ما زیبا جلوه دهد. یا چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید.
(3) خداوندا او را از ما -به سبب عبادت و بندگی‌ات- دور کن. و با کوشش مستمر ما -در دوستی‌ات- او را خوار نما. و میان ما و او پرده‌ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.
(4) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.
(5) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به اندازه گمراهی او، از رستگاری‌ات بهره‌مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.
(6) خداوندا برای او در دل‌های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.
(7) خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار. و ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.
(8) خداوندا و دل‌های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ‌های او را به ما لطف فرما.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.
(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و بر اندام آنان زره‌های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح‌های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.
(11) خداوندا و همه این خواسته‌ها را در حقّ هر که به پروردگاری‌ات گواهی داد، و به یگانگی‌ات اخلاص ورزید، و به سبب حقیقتِ بندگی تو، با

او دشمنی کرد، و در راه شناخت علم‌های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند را، اجابت فرما.

(12) خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن.

(13) خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی‌اش را به خاک بمال.

(14) خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگاه که ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم و هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او باز داریم.

(15) خداوندا بر محمّد -آخِر پیامبران و سرور فرستادگان- و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.

(16) و آنچه خواسته‌ایم بشنو و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار و به وسیله آن ما را در مرتبه‌های نیکوکاران و جایگاه‌های اهل ایمان قرار ده. پروردگار جهانیان اجابت فرما.

دعای 18- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگامی که آنچه از آن می هراسید، از او دور می‌شد یا خواسته‌اش زود روا می‌گشت

(1) خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس. پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی‌ای که اکنون برای من پیش انداخته‌ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.
(2) و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده‌ام یا شب را در آن به سر رسانده‌ام، پیش از گرفتاری‌ای که قطع نمی‌گردد و گناهی که برداشته نمی‌شود باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته‌ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته‌ای، پس انداز.
(3) زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

دعای 19- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگام درخواست باران پس از خشک‌سالی

(1) خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم‌انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.
(2) و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده‌ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود -که فراوانی‌اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد- آماده ساز.
(3) که به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی. و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری. و با آن روزی‌ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غرّنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی‌باران.
(4) خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی‌بخش، سرسبز کننده، پهناور، دامنه‌دار و پُر آب، سیراب گردان تا با آن گیاه رونده را بازگردانی. و به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی.
(5) خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه‌ها را جاری گردانی و چاه‌ها را از آن پر کنی و رودخانه‌ها را با آن روان سازی و درخت‌ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت‌ها را -در همه شهرهای بزرگ- ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری و روزی‌های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی و کشت‌ها را به وسیله‌اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما.
(6) خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده و سردی‌اش را بر ما شوم و باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده و آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.
(7) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از برکات آسمان‌ها و زمین روزی عطا فرما. بدرستی که تو بر هر چیز توانایی.

دعای 20- و از دعای امام علیه‌السلام بود در اخلاق نیک و کردارهای پسندیده

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ایمان مرا به کامل‌ترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیّت مرا به نیک‌ترین نیّت‌ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

(2) خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان و یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان و امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.

(3) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می‌سازد کفایت کن. و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می‌نمایی وادار. و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما. و مرا بی‌نیاز گردان و روزی‌ات را بر من بگستر و مرا به چشم به راه بودن گرفتار نکن. و مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نساز. و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی‌ام را با خودپسندی تباه نگردان. و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن باطل نفرما. و به من بزرگواری های اخلاقی عطا کن و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.

(4) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

(5) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز و تا زمانی که زندگی‌ام در طاعت تو صرف شود مرا طول عمر ده. پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد -پیش از آنکه دشمنی‌ات به سوی من شتابد یا خشمت بر من استوار گردد- مرا به سوی خود بازگردان.

(6) خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی و نه عیبی که بدان سرزنش شوم، مگر آنکه نیکویش گردانی و نه خوی پسندیده‌ای که در من ناقص باشد، مگر آنکه کاملش فرمایی.

(7) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درباره من کینه‌توزی دشمنان را به محبّت، و حسد متجاوزان را به دوستی و بدگمانی نیکان را به اعتماد، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری، و دست از یاری برداشتن کسان را به یاری نمودن، و دوستی (ظاهری) مدارا کنندگان را به دوستی واقعی، و اهانت معاشران را به خوش‌رفتاری، و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.

(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی و بر کسی که با من جدال کرد، زبانی و بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی‌ای قرار ده. و مرا بر آنکه به من نیرنگ زند چاره جویی‌ای، و توانایی‌ای بر آنکه به من ستم نمود، و تکذیبی بر آنکه مرا دشنام داد، و سلامتی از آنکه مرا تهدید نمود، ببخش. و مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. و آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش دهم. و کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهم. و با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم. و نیکی (دیگران) را سپاس گزارم و از بدی (آنها) چشم‌پوشی کنم.
(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به زینت شایستگان بیارا و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان. در گستردن عدل و فروبردن خشم و فرونشاندن (آتش) کینه و پیوند دادن پراکندگان و اصلاح بین مردم و آشکار کردن نیکی و پوشاندن عیب و نرم خویی و فروتنی و خوش‌رفتاری و وقار و خوش‌خویی و پیشی گرفتن به فضیلت و برگزیدن احسان و ترک سرزنش و احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست و سخن حقّ گفتن، اگر چه سخت باشد و کم شمردن نیکی گفتار و کردارم، اگر چه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم، اگر چه کم باشد و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و همراهی با جماعت و فرو گذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می‌کند، کامل گردان.
(11) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فراخ‌ترین روزی‌ات را بر من، زمانی که پیر شدم و قوی‌ترین توانایی‌ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده. و مرا به سستی در عبادتت و به کوری از راهت و پرداختن به کاری خلاف دوستی‌ات و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.
(12) خداوندا مرا چنانم کن که به وقت ضرورت، به (یاری) تو حمله آورم و هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم و هنگام تهی‌دستی، به درگاه تو زاری کنم و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی‌ام و به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم و به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی‌بهرگی و روی گرداندن تو شوم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.
(13) خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل

من می‌افکند، یاد بزرگی‌ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشمنت، و به جای آنچه او بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام یا آبروریزی یا گواهی نادرست یا غیبت مؤمن غائب یا ناسزا به شخص حاضر و مانند اینها، سپاس برای خودت و ثنای فراوانت و اقدام به بزرگ‌دانستنت و شکر نعمتت و اعتراف به نیکی‌ات و شمردن بخشش‌هایت را قرار ده.
(14) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. و بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری. و گمراه نگردم، در حالی که می‌توانی هدایتم کنی. و فقیر نگردم، در حالی که دارایی‌ام از نزد تو می‌باشد و سرکشی نکنم، در حالی که توانایی‌ام از نزد توست.
(15) خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده‌ام و به سوی بخشایش تو آهنگ نموده‌ام و به گذشت تو اشتیاق ورزیده‌ام و به احسان تو اعتماد کرده‌ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد و پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من تفضّل نما.
(16) خداوندا و مرا به هدایت گویا کن و پرهیزکاری در دلم افکن و به پاکیزه‌ترین روش توفیق ده و به پسندیده ترین رفتار وادار.
(17) خداوندا مرا به بهترین راه ببر و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.
(18) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به میانه‌روی، بهره‌مند گردان و مرا از درستکاران و راهنمایان به راه راست و از بندگان شایسته قرار ده و رستگاریِ قیامت و رهایی از کمین‌گاه (دوزخ) را روزی‌ام فرما.
(19) خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی‌ام دهد، بگیر. و از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار. زیرا نفسم هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.
(20) خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی‌ام تویی. و اگر ناامید گردم، امید من به توست. و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. و عوض هر آنچه از دست رفته و اصلاح آنچه تباه شده، و تغییر آنچه زشت دانسته‌ای، نزد توست. پس پیش از گرفتاری، با تندرستی و پیش از درخواست، با توانگری و پیش از گمراهی، با ارشاد، بر من منّت گذار و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار. و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش. و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.
(21) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن. و به نعمتت، مرا پرورش ده و به کرم خویش، مرا اصلاح

فرما و به احسان خود، مرا درمان کن و در سایه خود، قرارم ده و خوشنودی‌ات را بر من بپوشان و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست‌ترین آنها و هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه‌ترین آنها و زمانِ تناقض آئین‌ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.
(22) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تاج بی‌نیازی بر سرم گذار. و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده. و مرا هدایت راستین ببخش. و به توانگری آزمایشم مکن. و آسودگی خاطر به من عطا فرما. و زندگی‌ام را پر دردسر قرار نده. و دعایم را به خودم باز نگردان. زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی‌دهم و با تو همانندی را نمی‌خوانم.
(23) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف کاری بازدار و روزی‌ام را از تلف شدن نگهدار. و دارایی‌ام را با برکت، افزون ساز. و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می‌کنم، به راه رستگاری برسان.
(24) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.
(25) خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می‌کنم، برایم برآور. و به عزّت خود، از آنچه می‌ترسم، ایمنی‌ام ده.
(26) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم. در حالی که تو عهده‌دار بخشیدن و باز داشتنی، نه آنها.
(27) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیز کاریِ از روی میانه‌روی، روزی فرما.
(28) خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده. و آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش. و راه‌هایم را برای رسیدن به خوشنودی‌ات، آسان فرما. و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.
(29) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.
(30) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.

دعای 21- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگامی که چیزی او را اندوهگین می‌نمود و گناهان او را پریشان می‌کرد

(1) خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. و نگهدارنده از هر چیز ترسناک. خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم. و در برابر خشم تو ناتوان شده‌ام و یاری دهنده‌ای ندارم. و به ترس دیدارت نزدیک گشته‌ام و آرامش دهنده‌ای برای ترسم ندارم.
(2) و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده‌ای؟ و چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته‌ای؟ و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده‌ای؟
(3) ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی‌دهد. و شکست خورده را جز پیروز، امان نمی‌بخشد. و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی‌رساند.
(4) و ای خدای من، همه این سبب‌ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و گریزم را پناه ده و مطلبم را برآور.
(5) خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی یا فضل بزرگت را از من بازداری یا روزی‌ات را بر من دریغ نمایی یا رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم. چون من بنده تو و در مشت توام و موی پیشانی (و اختیار) م به دست توست.
(6) با فرمان تو، مرا فرمانی نیست. حکم تو درباره من جاری است و آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. و نمی‌توانم از قدرت تو بگریزم. و نمی‌توانم محبّت تو را جلب نمایم. و توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونیِ رحمتت.
(7) خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. جز به یاری تو سود و زیانی را مالک نیستم. بر خود، به این مطلب گواهی می‌دهم. و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی‌ام اعتراف دارم. پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده و آنچه به من عطا کردی، تمام گردان. که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بد حال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام.
(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، و غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی، و ناامید از اجابتت -گرچه دیر شود- قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری، یا فقر یا نعمت، یا توانگری یا

تنگدستی، یا تهی‌دستی یا ثروت.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده‌ای، خوشحال نشوم و به آنچه مرا از آن باز داشته‌ای، غمگین نگردم و قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان. و بدنم را در آنچه از من می‌پذیری به کار گیر. و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می‌آورد، دوست نداشته باشم و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.
(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و دلم را برای دوستی‌ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز و در محبوب‌ترین راه‌ها به سویت روانه فرما و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی‌ام رام گردان.
(11) و پرهیزکاری را توشه من از دنیا، و کوچ مرا به سوی رحمتت، و ورود مرا در خوشنودی‌ات قرار ده. و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان. و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی‌ات را حمل کنم. و گریزم را به سوی خود، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده. و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان. و انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.
(12) و برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده. بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی‌نیازی‌ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.
(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا همنشین آنان قرار ده و مرا یاور آنها قرار ده و شوق به خودت و عمل -برای خودت- به آنچه دوست داری و خوشنود می‌شوی را به من ارزانی دار. که تو بر هر چیزی توانایی و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

دعای 22- و از دعای امام علیه‌السلام بود هنگام سختی و مشقّت و دشوار شدن کارها

(1) خداوندا مرا -درباره خودم- به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی من چیره‌تر است. پس آنچه تو را از من راضی می‌گرداند، به من عطا فرما. و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.
(2) خداوندا طاقت رنج کشیدن، و شکیبایی بر بلا، و تحمّل فقر ندارم. پس روزی‌ام را از من بازمدار و مرا به خلقت وانگذار. بلکه در خواستم را به تنهایی روا کن و مرا کفایت کن.
(3) و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده‌اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.
(4) پس به فضل خود، خداوندا بی‌نیازم گردان و به عظمت خویش به پایم دار و به توانگری‌ات گشاده دستم گردان و به آنچه نزد توست، کفایتم فرما.
(5) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از حسد، رهایی ده. و از گناهان بازم دار. و مرا از حرام‌ها پرهیز ده. و بر نافرمانی‌ها جرأتم مده و خواهش مرا، نزد خود و خوشنودی‌ام را، در آنچه از تو به من می‌رسد قرار ده. و برایم در آنچه روزی‌ام نمودی، و به من ارزانی داشته‌ای، و به من نعمت داده‌ای، برکت ده. و مرا در همه حالت‌هایم، محفوظ، نگاه داشته، (گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.
(6) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده‌ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده‌ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سست و توانایی‌ام به آن نرسد و ثروت و دارایی‌ام گنجایش آن را نداشته باشد. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.
(7) آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده‌ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. زیرا تو توانگرِ بخشنده‌ای. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی‌هایم بکاهی، یا بر بدی‌هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می‌کنم. ای پروردگار من.

(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی‌ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. و تا آنکه بی‌رغبتی در دنیا بر من چیره شود. و تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم. و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم و در تاریکی‌ها با آن راه یابم و به وسیله آن از شک و شبهه‌ها روشنی یابم.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ترسِ اندوهِ وعده‌ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده‌ها(ی بهشتی) را روزی‌ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می‌خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می‌آورم، دریابم.
(10) خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می‌کند می‌دانی. پس به درخواست‌هایم عنایت فرما.
(11) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هنگامی که در شکر به نعمت‌هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته‌ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی‌ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم و زیان و سود رخ می‌دهد، و (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.
(12) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامت سینه از حسد را روزی‌ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده‌ای، حسد نبرم و تا اینکه نعمتی از نعمت‌هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا یا عافیت یا پرهیزکاری یا گشایش یا رفاه داده‌ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو -که یگانه و بی‌شریکی- آرزو کنم.
(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن‌داری از لغزش‌ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می‌رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد و دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.
(14) و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می‌خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو. به درستی که تو ستوده بزرگواری.

دعای 23- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که تندرستی و سپاس‌گزاری بر آن را، از خداوند درخواست می‌فرمود

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و لباس عافیتت را بر من بپوشان و مرا با عافیتت فراگیر و به عافیتت حفظم کن و به عافیتت گرامی‌ام دار و مرا به عافیتت بی‌نیاز فرما و عافیتت را به من صدقه ده و عافیتت را به من ببخش و عافیتت را برایم بگستران و عافیتت را بر من سامان ده و در دنیا و آخرت بین من و عافیتت جدایی نینداز.
(2) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی‌بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.
(3) و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بینایی در دلم و پیشرفت در کارهایم و بیم و هراس از خودت و توانایی بر انجام طاعتت -که مرا به آن فرمان داده‌ای- و دوری جستن از نافرمانی‌ات -که مرا از آن باز داشته‌ای- بر من منّت گذار.
(4) خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت -که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد- و خاندان پیامبرت -که درود بر ایشان باد- همیشه تا هنگامی که زنده‌ام، در این سال و در همه سال. و آن را پذیرفته شده، پاداش داده شده، در نظر داشته نزد خود و ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.
(5) و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. و دلم را برای راه‌های مستقیم دینت بگشا.
(6) و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده و از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم و از شرّ هر شیطانِ سرکش و از شرّ هر پادشاهِ ستمگر و از شرّ هر مُرفّه نازپرورده و از شرّ هر ناتوان و توانا و از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شرّ هر کوچک و بزرگ و از شرّ هر نزدیک و دور و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند و از شرّ هر جنبنده‌ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. به درستی که تو بر راه راستی.
(7) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران و شرش را از من بازدار و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.
(8) و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور و گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی و دلش را هنگام یاد من، قفل زنی و زبانش را درباره من لال کنی و سرش را بکوبی و عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی و بزرگی‌اش را بشکنی و گردنش را به خواری فرو آوری و

سر افرازی‌اش را بر هم زنی و مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب‌جویی و حسد و دشمنی و بندها و دام‌های او و نیروهای پیاده و سواره‌اش ایمن سازی. به درستی که تو پیروز توانایی.

دعای 24- و از دعای امام علیه‌السلام بود، برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(1) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده‌ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت‌ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.
(2) و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان.
(3) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می‌کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می‌کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده‌ای، سنگین نشود.
(4) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.
(5) خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب‌آلوده، خوش‌تر و برای سینه‌ام از نوشیدن تشنه‌کام، مطبوع‌تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود -اگرچه اندک باشد- بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان -اگرچه بسیار باشد- اندک بدانم.
(6) خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.
(7) خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی‌داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی‌ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.
(8) خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده. ای تبدیل کننده بدی‌ها به چندین برابر از نیکی‌ها.
(9) خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده‌اند یا بر من در

کردار، زیاده‌روی کرده‌اند یا حقّی را از من ضایع ساخته‌اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده‌اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می‌خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی‌دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل‌انگار نمی‌شمارم و از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

(10) پس حقّ ایشان بر من واجب‌تر، و احسانشان به من دیرینه‌تر، و نعمتشان نزد من بزرگ‌تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی‌هایی که در نگهداری من کشیده‌اند چه می‌شود؟ و تنگی‌هایی که برای گشایش من بر خود گرفته‌اند، چه می‌شود؟

(11) هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی‌گیرند و آنچه برای ایشان بر من واجب است را در نمی‌یابم و من وظیفه خدمت‌گزاری ایشان را انجام نداده‌ام. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

(12) خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست، و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده‌ای، اختصاص ده. ای مهربان‌ترین مهربانان.

(13) خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.

(14) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز. و ایشان را به خاطر نیکیشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه‌های سلامتی رسان.

(15) خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم. به درستی که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرینه‌ای و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

دعای 25- و از دعای امام علیه‌السلام بود، برای فرزندانش که بر آنان درود باد

(1) خداوندا و بر من به بقای فرزندانم و به اصلاح نمودن ایشان برای من و به بهره‌مندی من از آنان، منّت گذار.
(2) خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان -که برای من مهم است- تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.
(3) و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود، و دوستدار و پند دهنده دوستانت، و ستیزه‌جو و کینه‌توزِ همه دشمنانت قرار ده. (این دعا را) اجابت فرما.
(4) خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آنها زنده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشین من فرما و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری‌ام ده و آنان را دوستدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه ساز و به راه من مستقیم و فرمانبر من قرار ده و نسبت به من سرکش و عاق و مخالف و خطاکار قرار نده.
(5) و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.
(6) و مرا و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده، پناه ده. همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده‌ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفرِ نافرمانی خود، بیممان داده‌ای. و برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می‌زند. او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست. او را در سینه‌های ما جا دادی و در رگ‌های خونمان روان نمودی. اگر از او غافل شویم، او غافل نمی‌شود. و اگر فراموشش کنیم، او فراموش نمی‌کند. ما را از کیفر تو ایمنی می‌دهد و از غیر تو می‌ترساند.
(7) اگر قصد کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر گرداَند. و چنانچه قصد کار شایسته‌ای کردیم، ما را از آن بازدارد. خواهش‌های نفسانی را برای ما عرضه می‌دارد. و شبهه‌ها برای ما برپا کند. اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. و اگر فریب او را از ما باز نداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری‌اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.

...

(8) خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.
(9) خداوندا همه خواسته‌هایم را به من عطا کن و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده‌ای و دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده‌ای و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، و آشکار ساختم یا در پنهان خواسته‌ام، بر من ارزانی دار.
(10) و مرا در همه آن (امور) به خاطر در خواستم از تو، از شایسته‌کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطفت) بازداشته نشدند.
(11) (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته‌اند، در تجارت با تو سود کرده‌اند، (همان‌ها که) به عزّت تو پناه آورده‌اند، و به جود و کرم تو از فضل گسترده‌ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، به یاری تو از ذلّت به عزّت رسیده‌اند، از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده‌اند و به رحمت تو از بلا رهیده‌اند و به توانگری تو از فقر به بی‌نیازی رسیده‌اند و با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا، نگه‌داشته شده‌اند و با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته‌اند و به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده. (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده در همسایگی تو جای گرفته‌اند.
(12) خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست‌ها) را به ما عطا فرما و ما را از شکنجه آتش پناه ده و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. همانا تو نزدیک، اجابت کننده، شنوا، دانا، بخشاینده، آمرزنده، دلسوز و مهربان هستی.
(13) و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

دعای 26- و از دعای امام علیه‌السلام بود، درباره همسایگانش و دوستان او، هنگامی که آنان را یاد می‌کرد

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.
(2) و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشان و راهنمایىِ راه‌جویشان و پند دادن مشورت کننده‌شان و دیدار با از سفر بازگشته‌شان و کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب‌هایشان و یارىِ ستم دیده‌شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی‌یشان و رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.
(3) و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از ستمگرشان با چشم‌پوشی صرف‌نظر کنم و درباره همه آنان، به خوش‌گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکدامنی، دیده از ایشان فرو بندم و فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم و با مهربانی بر بلا دیدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان دوستی را، آشکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم و آنچه را برای خویشانم لازم می‌دانم، برای آنها لازم بدانم و آنچه را برای خاصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان رعایت نمایم.
(4) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل‌ترین بهره‌ها را برای من قرار ده و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک‌بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک‌بخت گردم. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

دعای 27- و از دعای امام علیه‌السلام بود، برای مرزداران

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما و به قدرت خویش، نگهبانان آن را یاری ده و از دارایی خویش، بخشش‌های آنان را فراوان ساز.
(2) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی) شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه‌یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.
(3) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی‌شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی‌دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینا ساز.
(4) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه‌انگیز را از دلشان برطرف کن و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته‌ای از خانه‌های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی و جوی‌هایی که به نوشیدنی‌های گوناگون روان شده و درختانی که شاخه‌هایشان به انواع میوه‌ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.
(5) خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح‌هایشان جدایی انداز و رگ‌های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه‌اشان جدایی انداز و در راه‌هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک‌رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل‌هایشان را از ترس پر ساز و دست‌هایشان را از گشودن بازدار و زبان‌هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری‌هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما.
(6) خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.
(7) خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز و ثروت‌هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن برای عبادت خویش و کارزار با آنان برای خلوت با خودت آسوده

ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود و پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.
(8) خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی‌درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی‌شریک هستی، اقرار نمایند.
(9) خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و دیگر امّت‌های مشرک، که نام‌ها و نشانه‌هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می‌شناسی و به توانایی‌ات بر آنان اشراف داری.
(10) خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.
(11) خداوندا، دل‌هایشان را از آرامش و تن‌هایشان را از قوّت تهی دار و قلب‌هایشان را از چاره‌جویی بی‌خبر ساز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب‌هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.
(12) خداوندا و آب‌هایشان را به وبا و خوردنی‌هایشان را به امراضْ درآمیز و شهرهایشان را در زمین فروبر و پیوسته آن را سنگباران فرما و آن را به قحطی و خشکسالی دچار ساز و آذوقه‌هایشان را در بی‌برکت‌ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده و پناهگاه‌های آن را از آنها بازدار، آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.
(13) خداوندا و هر رزمنده‌ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنّت تو که با ایشان جهاد نماید تا دین تو برتر و حزب تو قوی‌تر و بهره تو کامل‌تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را اصلاح نما و پیروزی را برای او به عهده گیر و برای او یارانی برگزین و پشت او را قوی ساز و درآمدش را وسعت ده و از نشاط بهره‌مند فرما و گرمی آرزو را از او فرونشان و او را از اندوه تنهایی حفظ کن و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.
(14) و او را به نیّت خوش، راهنمایی فرما و تندرستی‌اش را به عهده گیر و رهایی از آفت‌ها را، همراهش فرما و از ترس، سالمش دار و دلیری در دلش انداز و نیرومندی را، روزی‌اش کن و با یاری خود توانایش گردان و

راه‌ها و روش‌ها(ی جهاد) و سنّت‌ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز و در داوری نمودن، پایدارش فرما و خودنمایی را از او دور کن و او را از شهرت‌طلبی نجات ده و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.

(15) پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان و او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره نساز. پس اگر (زندگی‌اش را) برای او به خوش‌بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده و مرزهای مسلمانان ایمن شده و دشمنت روگردانده، فرار نموده است.

(16) خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه‌اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده‌اش را نگهداری کرد، یا او را به پاره‌ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، یا او را بر جهاد تشویق کرد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته‌ای و از بزرگی‌ات برایش آماده کرده‌ای، برسد.

(17) خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت، یا حادثه‌ای او را (از جهاد) عقب انداخت، یا مانعی در راه اراده‌اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

(18) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده‌ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت‌ها. درودی که مدّتش پایان نپذیرد و شماره‌اش قطع نگردد. مانند کامل‌ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، باز گرداننده، انجام دهنده هر چه بخواهی می‌باشی.

دعای 28- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگام پناه بردن به خداوند توانا و بزرگ

(1) خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته‌ام.
(2) و با همه وجودم به تو رو آوردم.
(3) و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.
(4) و درخواستم را از آنکه از فضلت بی‌نیاز نبود، باز گرداندم.
(5) و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.
(6) ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.
(7) پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.
(8) پس -ای سرور من- جایگاه درخواستم تویی، نه هر که از او درخواست شود. و صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.
(9) تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم! هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی‌کند.
(10) خداوندا یگانگیِ شمار و تسلّط قدرتِ همیشگی و فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.
(11) و غیر تو، در زندگی‌اش نیازمند رحمت، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست، در حالاتش گوناگون، در صفاتش دگرگون می‌باشد.
(12) پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ‌تر بودی. پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

دعای 29- و از دعای امام علیه السلام بود، چنان که روزی بر او تنگ گرفته می‌شد

(1) خداوندا همانا تو ما را در روزی‌هایمانْ به بدگمانی، و در مدّت زندگی‌هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که روزی‌های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.
(2) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی‌نیاز نمایی و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.
(3) و وعده‌های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده‌ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده‌ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی‌ای که خود کفالت کرده‌ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده‌ای قرار ده.
(4) پس فرمودی و فرموده تو راست و درست‌ترین است. و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق‌ترین و وفاشده ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می‌شوید، در آسمان است.»
(5) سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می‌گویید.»

دعای 30- و از دعای امام علیه‌السلام بود، درباره درخواست کمک نمودن بر پرداخت وام

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.
(2) و به تو پناه می‌برم -ای پروردگارم- از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی‌خوابی‌اش، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می‌جویم -ای پروردگار من- از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن نجات ده.
(3) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده‌روی باز دار. و به بخشش و میانه‌روی، استوار گردان و روش نیکو را به من بیاموز و مرا -به لطف خود- از ولخرجی باز دار و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.
(4) خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.
(5) و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه‌های جاوید خود ذخیره فرما.
(6) و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته‌ای، و هم‌اکنون به دستم رسانده‌ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت و وسیله دست‌یابی به بهشتت قرار ده. به درستی که تو صاحب بخشش بزرگ می‌باشی و تویی بسیار بخشنده بزرگوار.

دعای 31- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در یاد کردن توبه و درخواست نمودن آن

(1) خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی‌ستاید.
(2) و ای کسی که امید امیدواران، از او نمی‌گذرد.
(3) و ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی‌شود.
(4) و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.
(5) و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.
(6) این مقام کسی است که بازیچه دست‌های گناهان گردیده و مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده و شیطان بر او چیره گشته. پس با سهل‌انگاری از آنچه امر کرده‌ای کوتاهی کرده و با بی‌باکی آنچه از آن نهی نموده‌ای، انجام داده.
(7) مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکار کننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.
(8) پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده و با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. پس از روی یقین با حرص، تو را قصد کرد و از سَر اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود. در حالی که طمعش از هر که -جز تو- در او طمع کنند، خالی است و ترسش از هر که -جز تو- از او بترسند، برطرف شد.
(9) پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده‌اش را با سرافکندگی به زمین دوخته و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده و با خضوع، از رازهایش -آنچه را که خود به آن داناتری- برایت آشکار کرده و با خشوع، -از گناهانش- آنچه تو شماره آن را بهتر می‌دانی شمرده و در (گناهان) بزرگی که می‌دانی گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت‌هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.
(10) ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی‌کند و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.
(11) خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده‌ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده‌ای، اطاعت کرده‌ام و وفا به وعده‌ای را که پیرامون اجابت داده‌ای، خواستارم. زیرا که می‌فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

(12) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با آمرزش خود به من روآور. همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فرو افکنده‌ام. و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.
(13) خداوندا و نیّت مرا در فرمان برداریت، ثابت بدار و بینش مرا در بندگی‌ات، استوار گردان و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد- بمیران.
(14) خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم و از بدی‌های پنهان و آشکارم و از لغزش‌های گذشته و تازه‌ام، به درگاهت توبه می‌کنم. توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی‌گذرد و قصد بازگشت به خطا را ندارد.
(15) و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده‌ای همانا توبه بندگانت را می‌پذیری، و از بدی‌ها درمی‌گذری، و توبه کنندگان را دوست می‌داری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه‌ام را بپذیر و آنچنان که ضمانت کرده‌ای، از بدی‌هایم درگذر و همان‌طور که شرط کرده‌ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.
(16) و ای پروردگار من، با تو قرار می‌گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم و ضمانت می‌دهم، در کاری که نکوهیده توست، باز نگردم و عهد می‌بندم، از همه نافرمانی‌های تو، دوری گزینم.
(17) خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می‌دانی، بیامرز و به قدرت خود، به آنچه دوست داری، بازگردان.
(18) خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری‌هایی است که به یاد دارم و گرفتاری‌هایی است که فراموش کرده‌ام و همه آنها پیش چشم تو که نمی‌خوابد و در علم تو که فراموش نمی‌کند، قرار دارد. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری‌اش را از من بیفکن و سنگینی‌اش را از من سبک فرما و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.
(19) خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست. و جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی‌ام کن.
(20) خداوندا، هر بنده‌ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه‌شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می‌برم که اینچنین باشم. پس این توبه‌ام را توبه‌ای گردان که پس از آن، به توبه‌ای نیازمند نشوم. توبه‌ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است.
(21) خداوندا، به درستی که من از نادانی‌ام، در پیشگاه تو عذر می‌خواهم

و از زشتی کردارم، از تو بخشش می‌طلبم. پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود گیر و با فضل خویش، مرا به پرده عافیتت بپوشان.
(22) خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از اندیشه‌های دلم و نگاه‌های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می‌کنم. توبه‌ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می‌ترسند، در امان باشد.
(23) خداوندا، پس به تنهایی‌ام در برابر تو و تپیدن دلم از ترست و لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما. پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسواییْ ماندگار نموده. پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید. و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.
(24) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و کرمت را شفیع خطاهایم گردان و به گذشت خود بدی‌هایم را ببخشای و مرا به جزایم که عقوبت توست، مجازات نکن و بخشش خود را بر من بگستر و مرا به پرده خویش بپوشان و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی‌نیاز کرده.
(25) خداوندا برای من پناه دهنده‌ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد. و شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.
(26) پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته‌ام نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی‌ای که به پیشگاهت آشکار نمودم و توبه‌ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود،
(27) شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی‌تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت و یافتن خوشنودی‌ات به وسیله آن حاصل شود.
(28) خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده‌ام. و اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.
(29) خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پذیرفتن را ضمانت کردی و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نوید دادی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و توبه‌ام را قبول کن و مرا به ناامیدی از رحمتت باز نگردان.

که تو توبه گنهکاران را می‌پذیری و بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.
(30) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو آسان است.

دعای 32- و از دعای امام علیه‌السلام بود، برای خود در اقرار به گناه، پس از تمام کردن نماز شب

(1) خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.
(2) و ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.
(3) و ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال‌های گذشته و گذشتن زمان‌ها و روزها، ماندگار است.
(4) فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.
(5) و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.
(6) و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین‌ترین مرتبه‌ای که به خود اختصاص داده‌ای، نمی‌رسد.
(7) اوصاف در تو گمراه شده و تعریف‌ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته و تصوّرهای دقیق در بزرگواری‌ات سرگردان گشته.
(8) چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.
(9) و من بنده‌ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده و رشته‌های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده‌ام.
(10) طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است. و گذشت از بنده‌ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. پس از من درگذر.
(11) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. و هر پوشیده‌ای نزد آگاهی تو، آشکار است. و کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی‌ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.
(12) و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو -تا روز جزا- مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.
(13) پس در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای بزرگِ نابود کننده به سویت می‌گریختم، مرا بر زمین زد. و همین که به نافرمانی‌ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله‌اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد و از من بیزاری جست و پشت‌کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.
(14) نه شفاعت کننده‌ای است که برایم نزد تو شفاعت کند و نه پناه

دهنده‌ای که برایم از تو امان گیرد و نه جای استواری که مرا از تو بازدارد و نه پناهگاهی که از تو بدان پناه برم.
(15) پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند و مبادا من بی‌بهره‌ترین بندگانِ توبه کننده‌ات و از ناامیدترین گروه‌های آرزومندت باشم. و مرا بیامرز. به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.
(16) خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم و مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.
(17) نه می‌توانم روزه داریِ روزی را شاهد گیرم و نه شب‌زنده‌داری شبی را پناهِ خود خواهم و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می‌ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.
(18) و من هیچ‌گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی‌جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام‌ها را دریده‌ام و گناهان بزرگی انجام داده‌ام که عافیت داشتن تو از رسوایی‌های آن، برای من پوششی گردید.
(19) و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین و از تو خوشنود است. پس با وجودی فروتن و گردنی فرو افتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.
(20) و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است و شایسته‌ترین کسی می‌باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن، و از آنچه ترسیده‌ام، مرا ایمنی ده و سود رحمت خود را به من ارزانی دار. که تو بخشنده‌ترین کسی هستی که از آنها درخواست می‌شود.
(21) خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی‌های سرای باقی، نزد جایگاه‌های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار و شهیدان و صالحان، از همسایه‌ای که بدی‌هایم را از او نهان می‌داشتم و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می‌نمودم، مرا ایمن ساز.
(22) پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم و پروردگار من، در آمرزش -برای خود- به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد و بخشنده ترین کسی می‌باشی که از او درخواست شد و مهربان‌ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد. پس به من رحم کن.

(23) خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان‌های درهم تنیده و راه‌های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده‌ها پوشاندی، سرازیر نمودی. مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام‌ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان‌ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.
(24) تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم و از فریادرسی فضلت بی‌نیاز نبودم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.
(25) و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وا می‌گذاردی یا مرا ناگزیر می‌ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می‌گرفت و نیرو از من دور می‌شد.
(26) پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی و آن را از روی احسانت تا کنون درباره من به‌جا می‌آوری. نیکی‌ات از دستم نمی‌رود و خوبی احسانت درباره‌ام عقب نمی‌افتد و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی‌شود، تا برای آنچه که برای من نزد تو خوشایندتر است آسوده‌خاطر شوم.
(27) شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت، پس از بد همسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می‌کنم و از تو می‌خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری و به درگاه تو زاری می‌کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.
(28) و از تو درخواست می‌کنم که راهی آسان برای روزی‌ام، (فراهم) نمایی. پس سپاس تو را که نعمت‌های بزرگ را آغاز نمودی و شکرگزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و روزی‌ام را بر من آسان فرما و مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده‌ای، قانع سازی و به بهره‌ام در آنچه برایم قسمت کرده‌ای، راضی نمایی و آنچه از جسم و عمرم سپری شده، در راه طاعتت قرار دهی. که تو بهترین روزی دهندگانی.
(29) خداوندا، همانا به تو پناه می‌آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی و با آن هر که را از خوشنودی تو روی گردانْد، تهدید نمودی و از آتشی که نورش تاریکی، و آسایشش دردناک و دورش نزدیک است و از آتشی که پاره‌هایش یکدیگر را می‌خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می‌برد.
(30) و از آتشی که استخوان‌ها را می‌پوساند و اهلش را آب جوشان

می‌نوشاند، و از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی‌کند، و قادر بر سبک کردن (شعله‌ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست و با ساکنان خود با سوزان‌ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می‌شود.

(31) و از عقرب‌های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش‌هایشان می‌زنند و از آشامیدنی‌اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می‌کند و دل‌هایشان را برمی‌کَنَد، به تو پناه می‌برم و از تو راهنمایی می‌خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند.

(32) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به بسیاری رحمتت از آن ایمن ساز و به نیکویی گذشتت، از لغزش‌هایم درگذر و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

(33) خداوندا همانا تو از نا خوشایندی‌ها نگهداری می‌کنی و نیکی عطا می‌کنی و آنچه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز قادری.

(34) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه‌اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

(35) درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست! ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای 33- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در استخاره (درخواست خیر و نیکی)

(1) خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما.
(2) و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده. پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.
(3) و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده‌ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک‌تر است، تکیه نماییم.
(4) آنچه از مقدّراتت که نمی‌پسندیم، نزد ما محبوب فرما و آنچه از حکمت که سخت می‌شماریم، بر ما آسان گردان.
(5) و گردن نِهی بر خواسته‌ات را -که بر ما وارد ساختی- به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته‌ای، دوست نداشته باشیم. و آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم و آنچه را ناپسند داشته‌ای، اختیار نکنیم.
(6) و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده‌تر و سرانجامش گرامی‌تر است، ختم کن. به درستی که تو عطای گرانمایه می‌دهی و (نعمت) بزرگ می‌بخشی و آنچه بخواهی انجام می‌دهی و تو بر هر چیز توانایی.

دعای 34- و از دعای امام علیه‌السلام بود، موقعی که گرفتار آزمایش می‌شد یا گرفتارشده به رسوایی گناهی را می‌دید

(1) خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت و بر عافیت‌بخشی‌ات پس از آگاهی‌ات. چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به‌جا آورد، پس او را رسوا ننمودی و عیب‌های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.
(2) چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم و بدی‌ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان. و بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. امّا عافیت بخشیدن تو برای ما پرده‌ای پیش چشمانشان و مانعی در برابر گوش‌هایشان قرار داد.
(3) پس آن عیب‌ها که پوشاندی و بدی‌ها که پنهان نمودی، برای ما پند دهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری و کوشش به توبه محو کننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.
(4) و زمان آن را نزدیک گردان و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده‌ایم.
(5) خداوندا و بر برگزیده‌ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست و همان‌طور که فرمان داده‌ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.

دعای 35- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در خوشنودی، هنگامی که به اهل دنیا نگاه می‌کرد

(1) سپاس خدای را که راضی به حکم اویم. گواهی می‌دهم که خدا روزی‌های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.
(2) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.
(3) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به قضای خود، خوشنود گردان و سینه‌ام را به احکام خود، فراخ ساز و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.
(4) و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم و به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. زیرا شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد و عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.
(5) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما. و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. به درستی که تو تنها یکتای بی‌نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ‌کس مانند تو نبوده است.

دعای 36- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که به ابر و آذرخش نگاه کرد و بانگ غرش ابر را شنید

(1) خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو خدمت‌گزار از خدمت‌گزاران تو هستند، که به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان‌بار به طاعتت می‌شتابند. پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران. و به سبب آن دو جامه بلا بر ما نپوشان.
(2) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان و در آنها آفتی به ما نرسان و زیانی بر معیشت ما نفرست.
(3) خداوندا و اگر آن را برای کیفر بر انگیخته‌ای و از روی خشم فرستاده‌ای، پس ما از خشمت، از تو امان می‌خواهیم. و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می‌کنیم. پس خشم را به سوی مشرکان بگردان و آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور.
(4) خداوندا خشک سالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز و عقده دل‌هایمان را، با روزی‌ات بگشا و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز. زیرا توانگر کسی است که تو توانگر ساختی و سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.
(5) هیچ کس در نزد تو (قدرت) دفاع ندارد و هیچ کس از غلبه‌ات امتناع نتواند کرد. به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می‌کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می‌رانی.
(6) پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت‌هایت که به ما بخشیدی. سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.
(7) همانا تو بهره دهنده بهره‌های بزرگ، بخشنده نعمت‌های عظیم، قبول کننده سپاس اندک، پاداش دهنده شکر کم، نیکوکارِ عطا کننده هستی. دارای بخششی. خدایی جز تو نیست. بازگشت (همه) به سوی توست.

دعای 37- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که به کوتاهی نمودن از انجام شکرگزاری اقرار می‌نمود

(1) خداوندا همانا کسی به نهایت شکر گزاری‌ات نمی‌رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.
(2) و در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی‌رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.
(3) پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.
(4) هیچ‌کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند و شایستگی‌اش رضایت تو را لازم سازد.
(5) پس هر کس را آمرزیدی، از احسان توست و از هر که راضی شوی، از فضل توست.
(6) اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می‌دهی و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می‌دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت -که پاداش آنها را لازم گرداندی و جزای آنان را بزرگ نمودی- کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده‌ای یا سبب آن در تصرّف تو نبوده، پس ایشان را پاداش داده‌ای.
(7) بلکه ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته‌ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند و پاداششان را آماده نموده‌ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. زیرا سنّت تو بخشش و عادت تو احسان و راه تو بخشایش است.
(8) پس همه آفریدگان اعتراف می‌کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. و گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده‌ای. و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.
(9) پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی‌داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی‌کرد. و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی‌داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی‌شد.
(10) پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده‌ای، تشکّر می‌کنی و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می‌دهی.
(11) هر یک از آن دو را چیزی عطا کرده‌ای که برایش لازم نبود و به هر یک از آنان چیزی تفضّل نموده‌ای که عملش کمتر از آن است.
(12) و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته‌ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می‌داد و نعمت تو از دستش می‌رفت.

ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش دراز مدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده‌ای.
(13) سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. و نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حساب کشی سخت نکردی. و اگر با او چنین رفتار می‌نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک‌ترین احسان های تو و نعمت‌هایت از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می‌ماند. پس کی (چنین بنده‌ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می‌شد؟ نه! هیچ‌گاه!
(14) ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده و راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به‌جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی تا حال خود را در نافرمانی‌ات به حال طاعتت عوض کند و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت‌های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می‌شد.
(15) پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته‌ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده‌ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.
(16) پس ای خدای من، کریم‌تر از تو کیست؟ و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی‌ات به هلاکت افتاده، کیست؟ نه! هیچ‌کس؟ پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی و کریم‌تر از آنی که جز از عدالتت ترسند. بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آرزویم را به من ببخش و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. که تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

دعای 38- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در توبه کردن از داد خواهی‌های بندگان و از کوتاهی کردن در حقوق ایشان و در رهایی‌اش از آتش

(1) خداوندا من به درگاه تو عذر می‌آورم از ستم‌دیده‌ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. و از نیکی‌ای که به من شد، پس شکر آن را به‌جا نیاوردم. و از بد کرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم. و از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. و از حقِّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم. و از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.
(2) ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می‌خواهم، عذر خواهیِ از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده‌ام، پند دهنده باشد.
(3) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پشیمانی‌ام را از لغزش‌هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی‌هایی که برایم پیش آید، توبه‌ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ای دوستدار توبه کنندگان.

دعای 39- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در درخواست بخشایش و مهربانی

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن و حرص مرا از هر گناهی دور کن، و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.
(2) خداوندا و هر بنده‌ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز. و آنچه را از من برد، بر او ببخشای. و او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، سرزنش نکن. و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه‌ترین صدقه‌های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش‌های تقرّب جویان قرار ده.
(3) و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود و هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.
(4) خداوندا و هر بنده‌ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده یا از ناحیه من به او آزاری رسیده، یا به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، پس حقّش را تباه کرده‌ام یا داد خواهی‌اش را از بین برده‌ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.
(5) سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می‌گرداند، نگهدار و از آنچه عدل تو را حکم می‌کند، خلاص گردان. پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد. و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی‌کند. زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.
(6) خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می‌خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی‌کاهد و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.
(7) ای خدای من از تو بخشش نفسم را می‌خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی یا به وسیله آن به سودی راه جویی. بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.
(8) و از تو می‌خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می‌آورد، و از تو یاری می‌جویم بر آنچه سنگینی‌اش پشت مرا شکسته.
(9) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به خاطر ظلمی که به

خود کرده‌ام، ببخش. و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار. پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.
(10) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ‌گاه های خطاکاران بلند کردی، و به توفیق خود، از منجلاب‌های مجرمان، رهاندی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده و به واسطه نیکی‌ات از بند دادگری‌ات، آزاد شده است.
(11) ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می‌دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی‌کند، و نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی‌داند.
(12) ای خدای من، با کسی چنین رفتار می‌کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست، و کسی که ناامیدی‌اش از نجات، محکم‌تر از امیدش به رهایی است. نه اینکه ناامیدی‌اش، قطع امید باشد. یا طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی‌هایش میان بدی‌هایش اندک و دلیل‌هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.
(13) و امّا تو ای خدای من، پس شایسته‌ای که راستگویان به تو مغرور نشوند و مجرمان از تو مأیوس نگردند. زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی باز نمی‌دارد و حقّ خود را از کسی طلب نمی‌کنی.
(14) یاد تو از یاد شدگان برتر است و نام‌هایت از نسب داران مقدّس‌تر است و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است. پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.

دعای 40- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگامی که خبر مرگ کسی به او می‌رسید یا مرگ را یاد می‌کرد

(1) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و یافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.
(2) و ما را از فریبش سلامتی ده و از شرورش ایمن ساز و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.
(3) و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم و به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم و محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم و (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.
(4) پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن. و از دیدارش ما را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.
(5) ما را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمان برداران بی‌اجبار، توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرار کننده، بمیران. ای ضامن پاداش نیکوکاران و خواهان اصلاح عمل تبهکاران.

دعای 41- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در درخواست پرده‌پوشی و نگهداری (از گناه و کیفر)

(1) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بسترهای کرامتت را برای من بگستر و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور و مرا در میان بهشتت جای ده و با دست رد زدن بر سینه‌ام، مرا خوار نساز و به ناامیدی از خود، مرا محروم نکن.
(2) و مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر و رازم را آشکار مکن و (عیب) پوشیده‌ام را نمایان نساز و عملم را در ترازوی انصاف نگذار و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان علنی نکن.
(3) آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می‌باشد را، از آنان پنهان کن و آنچه نزد تو مرا به زشتی می‌رساند، از آنان بپوشان.
(4) درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده و به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان و مرا در جماعت یاران دست راست درآور و مرا به سوی راه‌های ایمن شدگان بفرست و در گروه رستگاران قرار ده و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

دعای 42- و از دعای امام علیه‌السلام بود، هنگام به پایان رساندنِ (خواندن همه) قرآن

(1) خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده‌ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده‌ای، برتری دادی.
(2) و (آن را) جدا کننده‌ای (قرار دادی) که به وسیله آن بین حلال و حرامت جدا کردی. و قرآنی که با آن راه‌های احکامت را روشن ساختی و کتابی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد -که درودهای تو بر او و خاندانش باد- به تدریج نازل فرمودی.
(3) و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی‌های گمراهی و نادانی ره‌یابیم و شفا برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه‌اش از راستی به بیراهه نمی‌رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی‌شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی‌شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی‌رسد.
(4) خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی و زبان‌های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می‌کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می‌کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می‌دهند.
(5) خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی‌هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیر شده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.
(6) خداوندا، پس همچنان که دل‌های ما را حامل آن قرار دادی، و به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه‌داران آن، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می‌کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.
(7) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می‌زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می‌برند و در سایه بال آن ساکن می‌شوند و با نور صبحگاهش راه می‌یابند

و به درخشش روشنایی آن اقتدا می‌کنند و از نور چراغ آن، روشنی می‌افروزند و در غیر آن هدایت را نمی‌جویند.
(8) خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه‌ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی و به وسیله خاندانش، راه‌های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف‌ترین منزل‌های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله‌ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.
(9) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت‌های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ‌های فریبنده‌اش بازدارد.
(10) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی‌های شب و نگهبان ما از وسوسه‌های شیطان و از اندیشه‌های بد، و نگهدار گام‌های ما از حرکت به سوی گناهان، و بند آورنده زبان‌هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، و مانع برای اندام‌های ما از انجام گناهان، و ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می‌پوشاند، قرار ده. تا درک شگفتی‌های آن و مَثَل‌های باز دارنده‌اش را که کوه‌های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل‌های ما برسانی.
(11) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با قرآن ظاهرِ نیک ما را بادوام گردان و با آن خاطره‌های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار و به وسیله آن چرکی دل‌هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور و با آن تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما و با آن ما را در سهمناک‌ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی‌آوریم، به جامه‌های امان بپوشان.
(12) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی‌های فراوان را به سوی ما سوق بده و با آن ما را از خوی‌های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه‌های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت‌هایت، و در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت، و شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.

(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه‌های پی‌درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان‌ها به گلوگاه می‌رسد و می‌گویند: کجاست طبیب؟ و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده‌های پنهانی‌ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان‌ها)، جامی از شوکران مرگ -که چشیدن آن زهرآلود است- آمیخته سازد و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود و اعمال، گردن‌بندهای در گردن‌ها گردد. و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.
(14) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه‌های خاک را برای ما مبارک گردان و قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه‌های ما قرار ده. و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان و ما را با گناهان هلاک کننده‌مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.
(15) و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می‌شویم، بر خواری ما رحم کن و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می‌کنیم، لغزش گام‌های ما را به وسیله آن پابرجا گردان و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس‌های سخت روز قیامت، به وسیله آن نجات ده.
(16) و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره‌های ستمگران سیاه می‌شود، رخسارهای ما را سفید گردان و دوستی ما را در سینه‌های مؤمنان، قرار ده و زندگی را بر ما دشوار نگردان.
(17) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده‌ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد و فرمانت را با صدای رسا بیان کرد و بندگانت را نصیحت کرد.
(18) خداوندا پیامبر ما را -که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد- روز رستاخیز، نزدیک‌ترین پیامبران در مجلس خود و بلند مرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان و بزرگوار ترین آنها نزد خود، و آبرومند ترین آنان نزد خود قرار ده.
(19) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده و برهان او را عظمت بخش و میزانش را سنگین گردان و شفاعت او را بپذیر و دستاویزش را نزدیک نما و روسفیدش فرما و نورش را کامل ساز و درجه‌اش را رفیع گردان.
(20) و ما را بر سنّت او زنده بدار و بر آئین او بمیرانمان و ما را در راه روشن او سِیر ده و ما را به راه او ببر و از فرمانبران او قرارمان ده و ما

را در گروه او محشور کن و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.
(21) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی. که تو دارای رحمت گسترده و بخشش کریمان هستی.
(22) خداوندا او را به سبب اینکه پیام‌های تو را ابلاغ نمود و آیه‌هایت را رساند و بندگانت را نصیحت کرد و در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده‌ات دادی. و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

دعای 43- و از دعای امام - که بر او درود باد- بود، هنگامی که به سوی ماه نو نگاه کرد

(1) ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل‌های قرار داده شده، آمد و شد می‌کنی و در فلک تدبیر تصرّف می‌کنی.
(2) ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت‌ها را نورانی ساخت و با تو مبهمات را واضح نمود و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های پادشاهی‌اش و علامتی از علامت‌های سلطنتش قرار داد و تو را با فزونی و کاستی، و طلوع و غروب، و نور فشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته‌اش، شتابنده‌ای.
(3) پاک و منزّه است او. چه شگفت‌انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.
(4) پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننده من و آفریننده تو، و تقدیر کننده من و تقدیر کننده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد و تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.
(5) ماه ایمنی از آفت‌ها و سلامتی از بدی‌ها، ماه سعادتمندی بی تیره‌بختی، و برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانی نیامیخته با دشواری، و خیر ناآلوده با شرّ، ماه ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.
(6) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده و پاک‌ترین کسانی که به سوی آن نگریسته(اند) و نیکبخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده(اند)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی‌ات نگهدار.
(7) و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش‌های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده‌ای. و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه‌اند، درود فرستد.

(1) سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری‌اش راهنمایی فرمود، و از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد.
(2) و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد، و ما را به آئین خویش اختصاص داد، و در راه‌های احسانش، ما را راهی نمود، تا در آن (راه‌ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی‌اش رویم. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.
(3) و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی و ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه‌ها قرار داد. که در آن قرآن فرو فرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه‌های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.
(4) پس فضیلت آن را بر سایر ماه‌ها، به حرمت‌های فراوان و فضایل مشهور آشکار ساخت. پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را در آن ممنوع نمود و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی‌دارد که پیش انداخته شود و نمی‌پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.
(5) آنگاه یک شب از شب‌های آن را بر شب‌های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید. که در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می‌آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده‌دم دوام دارد.
(6) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناختِ فضیلتش، و بزرگداشتِ احترامش، و خویشتن‌داری از آنچه را که در آن حرام نموده‌ای، به ما الهام کن. و ما را بر روزه‌اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به‌کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می‌سازد، یاری فرما. تا با گوش‌هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم، و با چشم‌ها یمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.
(7) و تا دست‌هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم، و با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم، و تا شکم‌هایمان جز آنچه تو حلال نموده‌ای در خود جای ندهد، و زبان‌هایمان جز به آنچه تو بیان کرده‌ای، سخن نگوید. و خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم، و جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و

شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم و جز تو در آن مرادی را نطلبیم.
(8) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.
(9) و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده‌اند، ارکانش را محافظت نموده‌اند، و آن را در اوقات خود -به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو]که درودهایت بر او و خاندانش باد[در رکوع و سجود آن و همه فضیلت‌هایش قرار داد- با پاکی تمام و فراگیر، و روشن‌ترین و نهایی‌ترین خشوع به‌جا آورده‌اند.
(10) و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی‌هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات‌ها پاک کنیم و به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم و با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم و با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی‌کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی‌شویم.
(11) و در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می‌جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب‌های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت‌های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می‌دهیم.
(12) خداوندا، همانا من از تو می‌خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده‌اند؛ از فرشته‌ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده‌ای، سزاوار نما و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش‌گران در طاعتت لازم کرده‌ای، لازم گردان و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته‌اند، قرار ده.
(13) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کجروی در یگانگی‌ات و کوتاهی در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت و کوری از راهت و سهل‌انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.
(14) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و چنانچه در هر شب از

شب‌های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می‌کند، یا گذشتت ایشان را می‌بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده. و ما را برای ماه‌مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.

(15) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش سختی‌ها یمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته‌ای و در این (ماه) از بدی‌ها خالصمان نموده‌ای.

(16) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن کجروی کرده‌ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده‌ایم، ما را استوار بدار. و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.

(17) خداوندا این (ماه) را از عبادت‌های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده و ما را در روزش به روزه‌داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

(18) خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می‌دهی در بقیه ماه‌ها و روزها، این‌چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می‌برند، و در آن جاودانند و آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می‌بخشند که دل‌هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی‌ها می‌شتابند و ایشان برای آن پیشی می‌گیرند.

(19) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده‌ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند. به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به‌جا می‌آوری.

(1) خداوندا ای کسی که پاداش نمی‌خواهد.
(2) و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی‌شود.
(3) و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی‌دهد.
(4) بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) و بخشایشت از روی تفضّل است، و کیفرت از روی عدل، و فرمانت خیر است.
(5) اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته‌ای و اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.
(6) هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده‌ای.
(7) و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس‌گزاری را تو به او آموخته‌ای.
(8) می‌پوشانی بر کسی که اگر می‌خواستی، رسوایش می‌نمودی، و می‌بخشی بر کسی که اگر می‌خواستی، محرومش می‌کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند. مگر آنکه تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده‌ای و قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته‌ای.
(9) و با کسی که نافرمانی‌ات را نموده، با بردباری رفتار می‌کنی و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده‌ای. با حوصله‌اتْ منتظر بازگشت ایشان می‌مانی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می‌کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود و بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت‌های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!. و سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.
(10) تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده‌ای و آن را توبه نامیده‌ای، و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده‌ای تا از آن گمراه نشوند. پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت‌هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.
(11) روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند را خوار نمی‌کند. نورشان پیش‌رو و از سمت راستشان حرکت می‌کند، گویند: «پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.» پس -بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما- عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!
(12) و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده‌ای.

می‌خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند. پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به‌جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی‌شود.»
(13) و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می‌بخشند، مانند داستان دانه‌ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می‌کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.» و مانند های آن (آیه‌هایی) که از افزایش های نیکی‌ها در قرآن فرو فرستادی.
(14) و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگانشان آن را در نمی‌یافت، و گوش‌هایشان آن را فرا نمی‌گرفت و اندیشه هایشان به آن نمی‌رسید. پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»
(15) و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می‌ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.» پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.
(16) پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت و دست یافتنشان به خوشنودی‌ات نهفته بود.
(17) و اگر آفریده‌ای از جانب خودش آفریده‌ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده‌ای، راهنمایی می‌کرد، به احسان وصف می‌شد و به بخشندگی تعریف می‌گشت و به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می‌گرفت. پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود و برای ستایش کلمه‌ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.
(18) ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته‌ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده‌ای. چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو! و چه سرشار است بر ما بخشش تو! و چه مخصوص گشته است نیکی‌ات به ما!.
(19) ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی و به

راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامتت، بینا نمودی.
(20) خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه‌ها مخصوص داشتی و از همه زمان‌ها و روزگارها برتری‌اش دادی. و آن را بر همه زمان‌های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی و ایمان را در آن چندین برابر نمودی و روزه را در آن واجب کردی و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.
(21) سپس ما را بر بقیه امّت‌ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را -نه اهل آئین‌های دیگر را- برگزیدی. پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت -بدان خاطر- به ما عرضه داشتی. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم و تو دارنده هر آن چیزی هستی که از درگاهت خواسته شود. بخشنده هر آن چیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. و نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.
(22) و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای) ش، از ما جدا شد.
(23) پس آن را وداع می‌گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است و رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می‌سازد و بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم و حقّ ادا نماییم. پس می‌گوییم: درود بر تو، ای بزرگ‌ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.
(24) درود بر تو، ای گرامی‌ترین وقت هایی که همراه بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعت‌ها.
(25) درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.
(26) درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود و چون از دست رفت، فقدانش غم‌انگیز بود و مایه امیدی که فراقش رنج‌آور بود.
(27) درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل‌ها را آرام نمود و شادمان ساخت. و چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی‌تاب گرداند.
(28) درود بر تو همسایه‌ای که دل‌ها در آن فروتن گردید و گناهان در آن کم شد.
(29) درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد و همراهی که

راه‌های احسان را آسان نمود.
(30) درود بر تو. چه بسیار است آزاد شدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک‌بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.
(31) درود بر تو. چه محو کننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب‌ها را!.
(32) درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه‌های مؤمنان!.
(33) درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی‌کند.
(34) درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.
(35) درود بر تو که همراهی‌اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.
(36) درود بر تو همان‌طور که با برکت‌ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.
(37) درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه‌اش از سر ملالت باشد.
(38) درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده و پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.
(39) درود بر تو. چه بسیار بدی‌ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! و چه بسیار نیکی‌ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.
(40) درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.
(41) درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.
(42) درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی‌های گذشته‌ات که از دست دادیم.
(43) خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.
(44) تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی و ما را -با (همه) کوتاهیْ (کردن‌هایمان) - توفیق دادی تا روزه‌اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده‌دار شویم. و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.
(45) خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بد کرداری، اقرار کننده و به سهل‌انگاری، اعتراف کننده‌ایم و پشیمانی قطعی دل‌هایمان و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم و با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده‌ایم را عوض بستانیم.

(46) و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده‌ایم، بر ما لازم گردان و عمر ما -که در پیش روی ماست- را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. و ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، موفّق بدار. و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه‌های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.
(47) خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی‌ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را پرده‌دری نمودیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان و به عفو خود از ما درگذر و ما را در آن، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا و به مهربانی‌ات که نابود نمی‌شود و به فضلت که کم نمی‌گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می‌شود که بر ما نمی‌پسندی، بگمار.
(48) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. مصیبت ما را در (رفتن) ماه‌مان جبران کن. و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جلب کننده‌ترین روز، برای عفو و محو کننده‌ترین آن، برای گناه باشد. و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.
(49) خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. و با بیرون رفتنش، ما را از بدی‌هایمان بیرون بر. و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن و از پر نصیب‌ترین آنان در آن ماه و از بهره‌مند ترین ایشان از آن قرار ده.
(50) خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است، و حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته، و حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته و از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده، یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده و رحمتت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. به درستی که فضل تو کاستی‌پذیر نیست و همانا گنجینه‌های تو کم نمی‌شود، بلکه فزونی می‌یابد و به درستی که معادن احسانت فنا نمی‌شود و به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.
(51) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای ما مانند پاداش

کسانی که روزه گرفته‌اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می‌کنند، بنویس.
(52) خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، از هر گناهی که آن را مرتکب شده‌ایم یا بدی‌ای که در گذشته انجام داده‌ایم یا اندیشه بدی که در دل داشته‌ایم، به درگاه تو توبه می‌کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد و پس از توبه به خطایی باز نمی‌گردد. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش و ما را بر آن ثابت گردان.
(53) خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده و شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می‌خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می‌بریم، دریابیم.
(54) و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی‌ات را برای آنها واجب نموده‌ای، و بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته‌ای. ای عادل‌ترین دادگران.
(55) خداوندا از پدران و مادران و همه هم‌کیشان ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.
(56) خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده‌ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته‌ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. به درستی که تو کریم‌تر کسی هستی که از او درخواست شده و بی‌نیاز کننده‌تر کسی هستی که بر او اعتماد شده و بخشنده‌تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده و تو بر هر چیزی توانایی.

دعای 46- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در روز فطر و در روز جمعه، هنگامی که سلام گفت و از نمازش فارغ شده، ایستاد. سپس رو به قبله کرد و گفت:

(1) ای کسی که رحم می‌کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی‌کنند.
(2) و ای کسی که می‌پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی‌پذیرند.
(3) و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی‌شمارد.
(4) و ای کسی که اصرار کنندگان خود را ناامید نمی‌کند.
(5) و ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی‌زند.
(6) و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می‌شود، برمی‌گزیند و اندک عملی را که برای او انجام می‌شود، سپاس می‌دارد.
(7) و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می‌گذارد و پاداش بزرگ می‌دهد.
(8) و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می‌شود.
(9) و ای کسی که به سوی خود می‌خواند کسی را که، از او روی گردانَد.
(10) و ای کسی که نعمت را تغییر نمی‌دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی‌کند.
(11) و ای کسی که نیکی را بارور می‌کند، تا آن را بیفزاید و از بدی در می‌گذرد، تا آن را محو کند.
(12) آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت‌ها برآورده شده است و ظرف خواسته‌ها با زیادی جودت، پر گشته است و توصیف‌ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته‌اند. پس بلندترین بلندی بر فوق هر بلندی، و بزرگ‌ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.
(13) هر بزرگی نزد تو کوچک، و هر بزرگواری در کنار بزرگواری‌ات حقیر است. آنان که بر جز تو وارد شدند، ناامید گشتند و آنان که به غیر تو پرداختند، زیان دیدند و آنان که بر درگاه جز تو رفتند، ضایع شدند و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.
(14) درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است و فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.
(15) آرزومندان از (درگاه) تو بی‌بهره نمی‌شوند و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی‌گردند و آمرزش خواهان به کیفرت تیره‌بخت نمی‌شوند.
(16) روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. عادت تو احسان به بدکاران، و روش تو مهربانی با تجاوز کنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.

(17) همانا از این رو با آنان درنگ کرده‌ای، تا به فرمان تو بازگردند و از آن جهت مهلتشان داده‌ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی و هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می‌کنی.
(18) همه ایشان به حکم تو می‌رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید. درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.
(19) حجّت تو پابرجاست که باطل نمی‌شود و سلطنت تو ثابت و بی‌زوال است. پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته و یأس ذلّت‌بار برای کسیست که از تو ناامید شده و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.
(20) چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو! و چه طولانی است پی‌درپی بازگشتنش، در کیفرت! و چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری‌هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی‌کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی‌نمایی.
(21) پس به تحقیق حجّت‌ها را، پی‌درپی آشکار کرده‌ای و عذرها را، بیان نموده‌ای و هشدارها را، پیشتر داده‌ای و با لطف خود، ترغیب نموده‌ای و مَثَل‌ها زده‌ای و مهلتِ طولانی داده‌ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته‌ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده‌ای.
(22) درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری‌ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل‌تر، و احسان تو فراوان‌تر، و نعمت تو تمام‌تر باشد و همه آن‌ها از ازل بوده است، و آنها تا ابد پایدار خواهد بود.
(23) حجّت تو بزرگ‌تر از آنست که به همه آن وصف شود، و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآید، و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید، و احسان تو افزون‌تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.
(24) و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته، و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی -ای خدای من- بلکه از روی ناتوانی است.
(25) پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم و پذیرایی نیکو از تو می‌خواهم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و نجوایم را بشنو و

دعایم را مستجاب کن و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان و در خواهشم، دست رد بر پیشانی‌ام نزن و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار. به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تو درخواست شود، ناتوان نیستی و تو بر هر چیزی توانایی و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.

دعای 47- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در روز عرفه

(1) سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.
(2) خداوندا سپاس برای توست. پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین. دارای بزرگواری و کرم. دارنده دارندگان و خدای خدایان و آفریدگار آفریدگان و وارث هر چیز. چیزی مانند او نیست و چیزی از علم او پنهان نیست و او به هر چیزی احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است.
(3) تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی‌نظیر.
(4) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت، عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.
(5) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می‌کند.
(6) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.
(7) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا، قدیم آگاه.
(8) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار، ابدی پایدار.
(9) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس و آخرین بعد از هر شمار.
(10) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.
(11) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.
(12) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی و صورت‌ها را بدون نمونه نگاشتی و نو پیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.
(13) تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی و هر چیز را برای هدفش، آماده ساختی و ما سِوای خود را اداره نمودی.
(14) تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری‌ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.
(15) تویی آنکه اراده کردی و اراده‌ات حتمی شد و قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.
(16) تویی آنکه مکانی تو را فرا نمی‌گیرد و در برابر سلطنت تو، سلطنتی پابرجایی ندارد و دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.
(17) تویی آنکه هر چیز را یک‌یک شمرده‌ای و برای هر چیز پایانی قرار داده‌ای و هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده‌ای.
(18) تویی آنکه اندیشه‌ها از حقیقت ذات تو قاصرند و فهم‌ها از کیفیّت تو

عاجزند و دیده‌ها جا و مکان تو را در نیافتند.
(19) تویی آنکه حدّی نداری، تا محدود باشی و به چیزی مانند نشده‌ای، تا آفریده شده باشی و فرزندی نیاورده‌ای، تا زائیده شده باشی.
(20) تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند. و همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.
(21) تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود و پدید آورد و تازه آفرید و آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداندْ.
(22) پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو! و چه بلند است در مکان‌ها، مکان تو! و چه آشکار کننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!
(23) پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی! و رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!
(24) پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری! و بخشنده که بسیار توانگری! و بلندمرتبه که بسیار بلند مرتبه‌ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.
(25) پاک و منزّهی! دستت را به نیکی‌ها گشوده‌ای و هدایت از جانب تو شناخته شد. پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می‌یابد.
(26) پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده‌اند.
(27) پاک و منزّهی! نه حس می‌شوی و نه قابل جستجو هستی و نه لمس می‌گردی و نه نیرنگ می‌خوری و نه با مقاومت برکنار می‌روی و نه قابل نزاع هستی و نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می‌کنی و نه فریب می‌خوری و نه با تو حیله‌گری شود.
(28) پاک و منزّهی! راه تو هموار، و فرمانت هدایتگر است و تویی زنده بی‌نیاز.
(29) پاک و منزّهی! گفتارت حکمت، و فرمانت واجب، و اراده‌ات حتمی است.
(30) پاک و منزّهی! برای مشیّت تو باز گرداننده‌ای، و برای کلماتت تغییر دهنده‌ای نیست.
(31) پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است. آفریننده آسمان، پدیدآورنده جان‌ها.
(32) سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.
(33) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.
(34) و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.
(35) و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی‌ات بیفزاید.

(36) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس‌گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده‌ای از آن بازمانَد.
(37) سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.
(38) سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.
(39) سپاسی که با گردش زمان‌ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد.
(40) سپاسی که نگهبانان (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده‌اند، افزونی یابد.
(41) سپاسی که با عرش بزرگ تو هم سنگ باشد، و با کرسی بلند پایه‌ات برابری نماید.
(42) سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.
(43) سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.
(44) سپاسی که هیچ آفریده‌ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد و احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.
(45) سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد و هر که زیاده‌روی نمود در کامل به‌جا آوردن آن، تأیید شود.
(46) سپاسی که آنچه از سپاس‌ها آفریدی را گرد آورد، و هر سپاسی که پس از آن بیافرینی را دربر گیرد.
(47) سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک‌تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس‌گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.
(48) سپاسی که با بسیاری‌اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گردانَد و تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی‌درپی پیوند دهی.
(49) سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو، و با عزّتِ جلال تو برابر باشد.
(50) پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده‌اند، برترین درودهایت را بفرست و کامل‌ترین برکت‌هایت را بر او روان ساز و با سودمندترین رحمت‌هایت، بر او رحمت فرست.
(51) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته‌ای که درودی پیراسته‌تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان‌تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود خوشنود کننده‌ای که درودی بالاتر از آن نباشد.
(52) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که

خوشنودش سازد و بر خوشنودی‌اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی‌ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.
(53) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و تمام نشود، همچنانکه کلمات تو تمام نمی‌شود.
(54) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده‌ای و ایجاد نموده‌ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.
(55) پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه‌ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.
(56) پروردگار من، بر پاکیزه‌تران خانواده‌اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه‌داران علمت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت‌های خویش بر بندگانت قرار دادی. و به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی و آنها را وسیله‌ای به سوی خود و راهی به سوی بهشتت قرار دادی.
(57) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش‌هایت را برای آنها کامل گردانی و بهره‌یِ آنان را از نعمت‌ها و سودهایت فراوان گردانی.
(58) پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اوّلش و زمانی برای پایانش و نهایتی برای آخرش نباشد.
(59) پروردگار من، بر ایشان هم‌وزن عرش خود و آنچه زیر آن است و به گنجایش آسمان‌هایت و آنچه در بالای آنهاست و به تعداد زمین‌هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست. درودی که ایشان را هر چه بیشتر به تو نزدیک گرداند و برای تو و برای ایشان پسندیده باشد و تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.
(60) خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده‌ای، که او را نشانه‌ای برای بندگانت و علامتی در شهرهایت به پا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی و او را سبب رسیدن به خوشنودی‌ات قرار دادی و فرمانبری او را واجب گرداندی و از

نافرمانی‌اش برحذر داشتی و فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از نهی‌های او بازایستند و هیچ پیشی گیرنده‌ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده‌ای از او بازنماند. پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان و دستاویز چنگ زنندگان و ارجمندیِ جهانیان است.
(61) خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده‌ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه‌گاه (نیروی) خود، یاری فرما و پشتش را محکم ساز و بازویش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن و با فرشتگانت یاری‌اش نما و با چیره‌ترین لشکرت، به او کمک رسان.
(62) و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش‌های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد- به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه‌های دینت محو می‌کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می‌خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.
(63) و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار و ما را برای او شنوندگان، فرمانبران، و کوشا در خوشنودی او، و در مدد نمودنش و دفاع از او یاری کنندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت -که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست- قرار ده.
(64) خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقامشان، پیروان راه روشنشان، رهروان نشانه‌هایشان، چنگ‌زنندگان به دستاویزشان، تمسّک‌جویان به ولایتشان و اقتدا کنندگان به امامتشان، تسلیم شدگان فرمانشان، کوشش کنندگان در طاعتشان، منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم‌دوختگان به ایشانند، درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.
(65) و بر آنان و بر جان‌هایشان سلام فرست و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصلاح نما و توبه آنان را بپذیر. همانا تو بسیار توبه‌پذیرِ مهربانی و بهترین آمرزندگانی. و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان.
(66) خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده‌ای و رحمتت را در آن گسترده‌ای و بخشایشت را در آن ارزانی داشته‌ای و عطایت را در آن فراوان نموده‌ای و به وسیله آن بر

بندگانت تفضّل کرده‌ای.
(67) خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده‌ای. پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه‌نمودی و برای ادای حقّ خود، به او توفیق دادی و او را به ریسمان خویش، نگه داشتی و او را در حزب خود وارد کردی و او را به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی نمودی.
(68) سپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را باز داشتی، پس باز نایستاد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو و نه از روی گردنکشی کردن بر تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن باز داشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی‌ها اقدام کرد. و حال آنکه با آن عنایت‌هایی که به او داشته‌ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی‌ات را نکند.
(69) و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته‌ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده‌ام، پناهنده به بخشایشت، پناه‌خواه به رحمتت و باور دارنده به اینکه هیچ امان دهنده‌ای مرا از تو امان نمی‌دهد و هیچ بازدارنده‌ای مرا از (بلای) تو باز نمی‌دارد.
(70) پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می‌دهی، عطا کن. و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می‌بخشی. و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می‌کند ارزانی می‌داری.
(71) و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره‌ای ویژه از خوشنودی‌ات برسم و مرا تهی‌دست از آنچه بندگانِ پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی‌گردند، بازنگردان.
(72) و همانا گرچه من کارهای شایسته‌ای را که آنها پیش فرستاده‌اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده‌ام. و از همان درهایی که فرمان داده‌ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده‌ام. و به آنچه احدی نزدیک نمی‌شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته‌ام.
(73) سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو و خوش‌گمانی به تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته‌ام. و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می‌شود.
(74) و از تو درخواست می‌نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند،

ترسان، پناهنده. و با آن احوال، در خواستم به همراه ترس و زاری و پناه‌خواهی و پناه‌جویی است، نه از روی برتری جستنْ به تکبّر متکبّران و نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران و نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.
(75) و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذرّه‌ای یا کمتر از آنم. پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب نمی‌کنی و ناز پروردگان را نمی‌رانی و ای آنکه با احسان خود لغزش کاران را می‌بخشایی و با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می‌دهی.
(76) منم بدکار اعتراف کننده خطاکار لغزش کار.
(77) منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.
(78) منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.
(79) منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.
(80) منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده‌خاطر بودم.
(81) منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده و از عذابت نهراسیده‌ام.
(82) منم جنایتکار بر خود.
(83) منم در گروی گرفتاری خویش.
(84) منم کم شرم.
(85) منم که گرفتاری‌ام دراز است.
(86) به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده‌ای و آنکه برای خودت پسندیده‌ای، به حقّ کسی که او را از مردمت اختیار کرده‌ای و کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده‌ای، به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده‌ای و کسی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده‌ای، به حقّ کسی که دوستی‌اش را با دوستی خود قرین کرده‌ای و کسی که دشمنی‌اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده‌ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده، و با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.
(87) و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می‌کنی.
(88) و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می‌کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی‌ات کوشیده.
(89) و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.
(90) و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی‌بهره گردانده، در حالی که در رسیدن

نعمتش به من شریک تو نبوده است.
(91) و مرا از خواب غافلان و از خواب‌آلودگی اسراف‌کاران و از چرت خوار شدگان، بیدار فرما.
(92) و دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته‌ای و پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته‌ای و سهل‌انگاران را با آن نجات داده‌ای، متوجّه ساز.
(93) و از چیزی که مرا از تو دور می‌کند و میان من و بهره‌ام از تو، مانع می‌شود، و از آنچه نزد تو می‌خواهم، بازم می‌دارد، مرا نگهدار.
(94) و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده‌ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته‌ای، برای من آسان گردان.
(95) و مرا در شمار نابود شوندگانی که تهدید تو را سبک می‌شمارند، نابود نکن.
(96) و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می‌طلبند، هلاک نگردان.
(97) و مرا در شمار شکستگانی که از راه‌های تو منحرف شده‌اند، در هم نشکن.
(98) و از گرداب‌های فتنه نجاتم ده و از کام‌های بلا رهایی‌ام بخش و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.
(99) و میان من و دشمنی که مرا گمراه می‌کند، و خواهش نفس که مرا هلاک می‌گرداند، و نقیصه‌ای که مرا فرامی‌گیرد، جدایی انداز.
(100)
و از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی‌شوی.
(101) و از امید به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.
(102) و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی‌ات که بر دوشم گذارده‌ای، بشکنی.
(103) و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست و بازگشتی برای او وجود ندارد.
(104) و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده و کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان و وحشت گمراهان و لغزش فریفتگان و گرداب هلاک شدگان دستم را بگیر (نجاتم ده).
(105) و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده‌ای، عافیت بخش و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت

داشته‌ای و به او نعمت داده‌ای و از او خوشنود گشته‌ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک‌بخت میرانده‌ای.
(106) و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی‌ها را باطل کرده و برکت‌ها را از بین می‌برد، به گردنم انداز.
(107) و دلم را به خودداری از بدی‌های زشت و نافرمانی‌های رسوا کننده بپوشان.
(108) و مرا به چیزی که آن را در نمی‌یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی‌کند، باز مانم.
(109) و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی‌دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می‌کند و از نزدیکی جستن به تو، غافل می‌نماید را از دلم بَر کن.
(110) و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.
(111) و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند و از انجام دادن حرامت بازم دارد و از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.
(112) و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگیِ خطاها را از من ببَر و لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی‌ات را بر تنم کن و مرا به نعمت‌های گسترده خود فراپوش و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.
(113) و مرا به توفیق و راهنمایی‌ات، نیرو ده و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری‌ام فرما و مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.
(114) و روزی که مرا برای دیدارت برمی‌انگیزی، خوارم نساز و در برابر دوستانت رسوایم نگردان و یاد خود را از خاطرم نبر و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی‌توجّهی، هنگام فراموشی‌های نادانان به نعمت‌هایت، با من همراه گردان و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده‌ای، ثنا (ی تو را) گویم و به آنچه به من عنایت نموده‌ای، اعتراف نمایم.
(115) و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه راغبان و سپاس‌گزاری‌ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس‌گزاران قرار ده.
(116) و هنگام نیازمندی‌ام به سویت خوارم نساز و به وسیله آنچه به سوی تو آورده‌ام، مرا هلاک نکن. و همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه‌جویان با خود زده‌ای، دست رد بر پیشانی‌ام نزن. همانا من فرمانبردار تو هستم. می‌دانم دلیل روشن از آنِ توست و به بخششْ سزاوارتر و به احسانْ بخشنده‌تر هستی و شایسته‌ای که از تو بترسند و سزاواری که بیامرزی و به درستی که تو به بخشایش شایسته‌تری تا اینکه

کیفر کنی. و به پرده‌پوشی نزدیک‌تری تا اینکه آشکار سازی.
(117) پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می‌خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی‌پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی نموده‌ای، مرتکب نشوم و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی‌اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.
(118) و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان و مرا در میان بندگانت سربلند فرما و از کسی که از من بی‌نیاز است، بی‌نیازم گردان و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.
(119) و مرا از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن بلا و از خواری و سختی پناه ده. مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می‌پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری‌اش نبود (خطاها را ظاهر می‌کرد) و (مانند) کیفر کننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی‌اش نبود (کیفر می‌داد).
(120) و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی‌ای (فرو فرستی)، پس مرا که به تو پناه برده‌ام، نجات ده و حال آنکه مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت (در مقام رسوایی) مرا به پا ندار.
(121) و برای من اولین نعمت‌هایت را، با آخِرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه‌های آن توأم ساز و مرا عمر طولانی که با آن سنگدل شوم، نده. و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن و پستی‌ای را که با آن، مرتبه‌ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.
(122) و مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم. و چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم. (بلکه) هراس مرا در تهدیدهایت، و بیم مرا از مهلت دادن‌ها و ترساندنهایت، و هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.
(123) و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی‌ات، و تنها بودنم به شب‌زنده‌داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت‌هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش]دوزخیان[، در آن به‌سر می‌برد، آباد گردان.
(124) و مرا در سرکشی‌ام سرگردان و در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی‌خبر رها نکن. و مرا پندِ پندگیران و درس عبرت پذیران و موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده. و در میان کسانی که با آنها مکر می‌کنی، با من مکر نکن. و دیگری را جایگزین من نکن و نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود و جز پیرو خوشنودی‌ات قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت‌گزارم

نگردان.
(125) و مرا از لذّت بخشایشت و شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان و به وسیله گشایشی از گشایشگری‌ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان. و تحفه‌ای از تحفه‌هایت را به من ارمغان ده.
(126) و تجارت (اخروی) مرا سودمند و باز گشتنم (به قیامت) را بی‌زیان قرار ده. و مرا از مقامت بترسان و به دیدارت مشتاق گردان و توبه‌ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.
(127) و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه‌ام بر کن، و دلم را بر فروتنان مهربان گردان، و با من چنان باش که با شایستگان هستی، و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای، و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه بلند در آیندگان قرار ده، و مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.
(128) و فراخی نعمتت را بر من تمام کن، و کرامت‌های آن را نزد من پیوسته گردان، و دستم را از سودهای خود پر نما، و بخشش‌های گرامی‌ات را به سوی من روان فرما، و در باغ‌هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته‌ای، مرا با پاک‌ترین دوستانتْ همسایه گردان، و در مکان‌هایی که برای دوستانت آماده کرده‌ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.
(129) و برایم نزد خود استراحت گاهی که آسوده‌خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن سازمْ قرار ده، و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج، و در روزی که پنهان‌ها آشکار می‌شود هلاکم نکن، و هر شکّ و شبهه‌ای را از من دور ساز، و برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده، و سهم مرا از بخشش‌ها به لطف خود فراوان کن و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.
(130) و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن، و قصدم را برای آنچه برای توست، یکسره قرار ده. و مرا به آنچه دوستانت را به آن می‌گماری، وادار کن و دلم را هنگام غفلتِ عقل‌ها، به طاعت خود سیراب کن و بی‌نیازی و پاکدامنی و آسایش و سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز.
(131) و کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی‌ات، و تنهایی‌هایم را با آزمایش‌های فسادانگیزت که برایم آشکار می‌شود، باطل نکن و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.
(132) و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده و مرا از جایی که نمی‌دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری

نمایی. و درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از رو آورندگان به سوی توام. و نعمت دادنت را برایم کامل کن، به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

(133) و باقی زندگی‌ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده. ای پروردگار جهانیان. و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه‌اند، درود فرستد و بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

دعای 48- و از دعای امام علیه‌السلام بود، روز عید قربان و روز جمعه

(1) خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می‌آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می‌شوند و تو بیننده بر نیاز هایشان هستی. پس از تو می‌خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.
(2) خداوندا، ای پروردگار ما، از آنجا که پادشاهی برای توست و سپاس ویژه توست، معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربانِ بسیار نعمت دهنده دارای بزرگواری و احترام، پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، از تو درخواست می‌نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعتت یا خیری را به ایشان عنایت می‌کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می‌کنی یا درجه‌ای را که از ایشان نزد خود بالا می‌بری، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می‌کنی، قسمت می‌نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.
(3) و خداوندا، از آنجایی که پادشاهی و سپاس مختص به توست، معبودی جز تو نیست، از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت و بر خاندان محمّد که نیکو کارانِ پاکانِ برگزیده‌اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد و ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی، ای پروردگار جهانیان، و ما و ایشان را بیامرزی. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.
(4) خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم و در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی‌چیزی‌ام را به سوی تو فرود آوردم، و حال آنکه اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع‌تر است. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برآوردن هر درخواستی را برای من به عهده گیر، به قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، و به نیازمندی من به تو و به بی‌نیازی تو از من. پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده‌ام و هیچ کس جز تو بدی‌ای را از من بر نگردانده است. و برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.
(5) خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می‌کند و ساز و برگ تهیه می‌نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده

گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.
(6) خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و امروز این امید مرا ناامید نکن. ای کسی که درخواست کننده‌ای او را به رنج نمی‌اندازد و هیچ بخششی، (گنج‌های) او را نمی‌کاهد. زیرا من با اطمینان به عمل شایسته‌ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده‌ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده‌ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او -که درود تو بر او و بر ایشان باد-.
(7) به درگاه تو آمده‌ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. به درگاه تو آمده‌ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی، سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم‌های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، باز نداشت.
(8) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است. ای بزرگ، ای بزرگ. ای بزرگوار، ای بزرگوار. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به رحمتتْ بر من نیکی کن و به فضلتْ بر من مهربان باش و به آمرزشتْ به من گشایش ده.
(9) خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت و جایگاهِ امانتِ دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند و تویی که چنین تقدیر کرده‌ای. زیرا فرمان تو مغلوب نمی‌شود و از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی‌توان درگذشت. برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده‌ات متّهم نیستی. تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده حقوقشان به غارت رفت. می‌بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده و واجباتت از جهاتی که قانون نهاده‌ای، تحریف شده و روش‌های پیامبرت ترک شده است.
(10) خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می‌شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.
(11) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. به درستی که تو ستوده بزرگواری. مانند درودها و برکت‌ها و تحیّت‌هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.
(12) خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از باور داران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده. از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می‌گردد. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.
(13) خداوندا، غضب تو را جز بردباری‌ات دور نمی‌سازد، و خشم تو را جز

بخشایشت فرو نمی‌نشاند و از کیفرت جز رحمتت پناه نمی‌دهد و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی‌دهد. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را -ای خدای من- از جانب خود به توانایی‌ای که با آن بندگان مرده را زنده می‌کنی و با آن سرزمین‌های مرده را زندگی می‌بخشی، گشایش ده.
(14) و ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی‌ام به من بچشان و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.
(15) خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلند مرتبه‌ام گرداند؟ و اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟ و اگر مرا خوار کنی، پس کیست آنکه گرامی‌ام دارد؟ و اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من رحم کند؟ و اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده‌ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ و دانسته‌ام که در فرمان تو ستم، و در انتقام تو شتاب، نیست. و همانا کسی شتاب می‌کند که از گذشتن فرصت می‌ترسد و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است. و تو -ای خدای من- از این (امور) برتر و والاتری.
(16) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان و به من مهلت ده و اندوهم را برطرف کن و از لغزشم درگذر و مرا گرفتار بلاهای پی‌درپی نساز. زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری‌ام را به درگاه خود می‌بینی.
(17) خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می‌آورم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پناهم ده.
(18) و امروز از خشمت به تو پناه آورده‌ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده.
(19) و ایمنی از عذابت را از تو می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز.
(20) و از تو راهنمایی می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.
(21) و از تو یاری می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.
(22) و از تو رحمت می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.
(23) و از تو کفایت می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن.

(24) و از تو روزی می‌طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.
(25) و از تو کمک می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.
(26) و برای گناهان گذشته‌ام از تو آمرزش می‌خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز.
(27) و از تو می‌خواهم که مرا (از گناه) بازداری، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا (از گناه) باز دار. پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده‌ای، بر نمی‌گردم.
(28) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسیار مهربان، ای بسیار نعمت دهنده، ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمّد و خاندانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسته‌ام و طلب کرده‌ام و به آن میل نموده‌ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدّر کن و فرمان ده و اجرا کن. و به من در آنچه از آن برایم حکم می‌کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن و با آن بر من تفضّل نما و مرا به آنچه از آن عطا می‌کنی، نیک‌بخت گردان و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. پس همانا تو توانگر بخشنده‌ای. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان. ای مهربان‌ترین مهربانان.]سپس دعا کن. آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست که امام -که درود بر او باد- اینچنین انجام می‌داد.[

(1) خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم و پند دادی، پس سنگدل گشتم و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم. سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم. پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی. پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی. پس خدای من، تو را سپاس.
(2) در وادی‌های هلاکت رفتم و به درّه‌های نابودی وارد شدم، در آنها خود را در معرض سخت‌گیری هایت قرار داده، با عقوبت‌هایت روبرو شدم.
(3) و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نکرده‌ام و با تو به خدایی اعتقاد نداشته‌ام و با جانم به سوی تو گریخته‌ام و گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره‌اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.
(4) پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر روی من کشید، و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده‌اش درهم آمیخت و تیرهای هدف‌گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی‌اش از من نخفت و در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.
(5) ای خدای من، پس تو ناتوانی‌ام را از تحمّل مصیبت‌های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهایی‌ام را در برابر (سپاهیانِ) بی‌شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده‌ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.
(6) پس به یاری کردنم آغاز نمودی و به توانایی‌ات پشتم را نیرومند ساختی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پیروز نمودی و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی و در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه‌اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی. سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.
(7) و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ‌هایش به من ستم کرد و دام‌های خود را برایم گسترد و مراقبت و جستجویش را بر من گماشت و همانند در کمین نشستن درنده‌ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست. در حالی که چاپلوسانه برایم خوش‌رویی می‌کرد، و با خشم سخت به من می‌نگریست.

(8) پس همین که -ای خدای مبارک و والای من- تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش باز گرداندی، تا پس از آن همه گردن‌کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.

(9) و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرد و با نسبت دادن عیب‌های خود به من، سینه‌اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی‌هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.

(10) ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم، و می‌دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی‌خورد. و هر که به پناهگاه یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد. پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او باز داشتی.

(11) و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی و جوی‌های رحمتی که روان نمودی و (جامه‌های) تندرستی‌ای که (بر من) پوشاندی و چشم‌های مصیبت آفرینی که کور گرداندی و پرده‌های اندوه که برداشتی.

(12) و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی، و کمبودهایی که جبران نمودی، و به زمین خوردن هایی که بلند کردی، و نیازمندی‌هایی را که تغییر دادی.

(13) همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم و بد کرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می‌آورَد، جلوگیری ننمود. تو از آنچه انجام می‌دهی، بازخواست نخواهی شد.

(14) و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی. و تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده‌ای و من هم جز وارد شدن در حرام‌های تو و تعدّی از حدود تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته‌ام. پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی‌خورد و مهلت دهنده‌ای که شتاب نمی‌کند.

(15) این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت‌ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده و به تباه ساختن (نعمت‌ها)، به ضرر خود گواهی داده است.

(16) خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می‌جویم و به وسیله آنان به درگاهت رومی‌آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی‌ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی‌باشد و تو بر هر چیز توانایی.
(17) پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی‌ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی‌ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم. ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای 50- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در ترس (از خداوند)

(1) خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی، و در کوچکی پرورش دادی، و به قدر کفایت، به من روزی دادی.
(2) خداوندا، همانا من در کتابت که فرو فرستاده‌ای و بندگانت را به آن مژده داده‌ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.» و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می‌دانی و از من به آنها داناتری. پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.
(3) پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرا می‌گیرد نبود، خود را هلاک می‌ساختم و اگر کسی می‌توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده‌ای و همین بس که تو جزا دهنده و همین بس که تو حسابگری.
(4) خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیر کننده منی، اگر فرار کنم. پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن -ای پروردگار من- از جانب تو عدل است. و اگر از من درگذری، پس از دیر زمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده‌ای.
(5) پس خداوندا، به نام‌های پنهان شده‌ات و به زیبایی‌ات که پرده‌ها آن را پوشانده، از تو می‌خواهم که بر این جان بی‌تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ و توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را توانایی دارد؟
(6) پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است و عذاب من، چیزی نیست که ذرّه‌ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی‌ات می‌افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می‌خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد. ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ‌تر و پادشاهی‌ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید، یا نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.
(7) پس بر من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان. و از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم. و توبه‌ام را بپذیر، به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

(1) خدای من، تو را سپاس‌گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی‌ات به من، و فراخی نعمت‌هایت بر من، و بسیاری عطاها و بخشش‌هایت درباره من، و بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی، و بر نعمتت که بر من روا داشتی. پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.
(2) و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت‌هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی‌رسیدم و اصلاح خویش را نمی‌یافتم. ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی و بی‌نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی و سختی گرفتاری را از من دور کردی و مقدّراتی که موجب ترس است را از من باز داشتی.
(3) خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی! و چه بسیار نعمت فراخی که دیده‌ام را به آن روشن نمودی! و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!
(4) تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی و هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی و داد مرا از دشمنانم گرفتی.
(5) خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم و هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده و برای خواسته‌هایم، بخشنده یافتم. و نعمت‌هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. پس تو نزد من ستوده‌ای و نیکی‌ات پیش من پسندیده است.
(6) تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس‌گزاری می‌کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سختت نجات ده.
(7) ای پناه من، وقتی که راه‌ها مرا ناتوان می‌کند و راه نمی‌نماید، و ای درگذرنده از لغزشم که اگر عیب‌پوشی تو (از موجبات) شرمندگی‌ام نبود، هر آینه از رسوا شدگان بودم، و ای نیرو دهنده با یاری نمودن، که اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم، و ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن‌هایشان نهاده‌اند و از قهرها و غلبه‌های او ترسانند، و ای سزاوار پرهیزکاری، و ای کسی که نیکوترین نام‌ها برای اوست؛ از تو می‌خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی‌ام. زیرا من بی‌گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی‌باشم تا پیروز شوم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.
(8) و از تو می‌خواهم که از لغزش‌هایم درگذری و به درگاه تو از گناهانم

که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می‌طلبم. پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته‌ام، پس توبه‌ام را بپذیر. پناهنده‌ام، پس پناهم ده. زنهار خواهنده‌ام، پس خوارم نکن. درخواست کننده‌ام، پس بی‌بهره‌ام نگردان. چنگ‌زننده‌ام، پس رهایم نکن. خواهانم، پس مرا ناامید برنگردان.
(9) تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذر کننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.
(10) ای خدای من، از ناتوانی جسممْ در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده‌ای، و دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده‌ای، و از بسیاری اندوه‌هایم و از وسوسه‌های دلم، به تو شکایت می‌کنم.
(11) خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی و به گناهمْ مرا هلاک ننمودی. تو را می‌خوانم، پس مرا اجابت می‌کنی و اگر چه هنگامی که مرا می‌خوانی، کُند هستم. و هر حاجتی که می‌خواهم، از تو درخواست می‌کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می‌گذارم. پس جز تو را نمی‌خوانم و به جز تو امیدوار نیستم.
(12) در فرمانبری‌ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می‌شنوی و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می‌آوری و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می‌رهانی و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می‌کنی.
(13) خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی‌بهره نگردان و گناهانی را که از من می‌دانی، بیامرز.
(14) اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل‌انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره خویشم و اگر بیامرزی، پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

دعای 52- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در اصرار به خداوند بلندمرتبه

(1) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده‌ای - ای خدای من - بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته‌ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می‌نمایی؟ یا چگونه می‌تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی‌اتْ زندگی برایش نیست؟ یا چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی‌باشد؟
(2) پاک و منزّهی! ترسنده‌ترین آفریدگانت از تو، آگاه‌ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع‌ترین آنان از تو، عمل کننده‌ترین ایشان به فرمان توست. و پست‌ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می‌دهی و او غیر تو را می‌پرستد.
(3) پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی‌ات نمی‌کاهد. و کسی که حکم تو را نپسندید، نمی‌تواند فرمانت را بازگرداند. و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی‌تواند خود را از تو بازدارد. و کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. و کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.
(4) پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی‌ات! و چه شدید است قدرت تو! و چه نافذ است فرمانت!
(5) پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده‌ای. و همه چشنده مرگ هستند. و همه به سوی تو برگشت کننده‌اند. پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه‌ای هستی که برای تو شریکی نمی‌باشد.
(6) به تو ایمان آوردم و پیامبرانت را تصدیق نمودم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.
(7) خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می‌آورم، در حالی که عملم را اندک می‌بینم و به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می‌کنم. من به خاطر زیاده‌روی بر خود، خوار گشته‌ام. عملم مرا به هلاکت افکنده و هوای نفسم مرا تباه ساخته و خواهش‌های نفسانی‌ام مرا محروم گردانده.
(8) پس - ای مولای من - از تو درخواست می‌کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سرگرم شده و تن او به خاطر آرامش رگ‌هایش، غافل مانده و دلش به سبب زیادی نعمت‌ها بر او، فریفته شده و

اندیشه‌اش برای آنچه به سوی آن بازمی‌گردد، اندک است.

(9) درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته، و خواهش نفس او را گمراه نموده و دنیا بر او تسلّط یافته و مرگ بر او سایه افکنده است. درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است. درخواست کسی که پروردگاری برای او جز تو و سرپرستی برایش غیر تو نیست، و نجات دهنده‌ای برای او از تو نمی‌باشد، و پناهگاهی برای او از تو، جز به سوی تو نیست.

(10) خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، و به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، و به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی‌شود، و تغییر حال نمی‌دهد، و نابود نمی‌گردد، از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا به وسیله بندگی‌ات از هر چیزی بی‌نیاز گردانی و مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی. و با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

(11) پس فقط به سوی تو می‌گریزم و تنها از تو می‌ترسم و تنها از تو فریادرسی می‌خواهم و فقط به تو امیدوارم و تو را می‌خوانم و تنها به سوی تو پناه می‌برم و به تو اعتماد می‌کنم و فقط از تو یاری می‌جویم و تنها به تو ایمان دارم و فقط بر تو توکّل می‌کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می‌بندم.

دعای 53- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در فروتنی برای خداوند ارجمند و بزرگوار

(1) ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. از این رو من اسیر بلای خود، گروگان عمل خویش، مردد در خطای خود، متحیّر از مقصد خویش و در راه مانده‌ام.

(2) خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته‌اند و سبک شمارندگان وعده تو، واداشته‌ام.

(3) پاک و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟ و به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟

(4) مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام‌هایم رحم کن. و با بردباری‌ات بر نادانی‌ام، و با احسانت بر بدکرداری‌ام تلافی کن. زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به خطای خویش، اعتراف می‌کنم. و این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می‌شوم، بر پیری‌ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی‌ام و نیازمندی‌ام و بیچارگی‌ام رحم کن.

(5) مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، و یادم از میان آفریدگان محو گردد، و مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

(6) مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، و مفاصلم پاره پاره شود، بر من رحم کن. ای وای از بی‌خبری من از آنچه درباره‌ام خواسته می‌شود!.

(7) مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن، و جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه‌ام را در جوار خود قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

دعای 54- و از دعای امام علیه‌السلام بود، در درخواست برطرف نمودن اندوه‌ها

(1) ای برطرف کننده اندوه و ازبین‌برنده غم. ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.
(2) ای یگانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده‌ای و برای او همتایی نبوده است، مرا حفظ کن و پاک گردان و گرفتاری مرا از میان ببر. «و آیةالکرسی و سوره‌های ناس و فلق و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو: »
(3) خداوندا من از تو می‌خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف، و گناهانش بسیار است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرو دهنده‌ای برای ضعفش، و بخشاینده‌ای برای گناهانش جز تو نمی‌یابد. ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می‌کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می‌خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می‌دهی.
(4) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر راستی بمیران و نیازم را از دنیا قطع کن و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.
(5) از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می‌نمایم و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می‌برم. ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو و یقین توکّل کنندگان بر تو و توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می‌نمایم.
(6) خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته‌هایشان، و ترسم را مانند ترس اولیائت قرار ده. و مرا در (راه) خوشنودی‌ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.
(7) خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار فرما و حجّتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش.
(8) خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما و مرا از فتنه‌های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

(9) و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.

بسم الله الرحمن الرحيم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».